

فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان / سال چهارم / شماره دوازدهم / زمستان ۱۳۹۲ / صفحات ۱۱۲-۷۷

الگوهای ازدواج و ارتباط آن با رضایت زناشویی؛ مورد

مطالعه دانشجویان همسر دار دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج*

جلیل سحابی^۱

سعید خانی^۲

اسعد خانی^۳

چکیده:

هدف اصلی این مقاله، بررسی و شناخت الگوهای ازدواج و ارتباط این الگوها با رضایت زناشویی دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج است. چارچوب نظری مطالعه از ترکیب نظریات نوسازی، همسان‌همسری، میدانی لوین و مبادله گرفته شده و بر مبنای آن‌ها، مدل نظری و فرضیات تحقیق ساخته و پرداخته شد. این مطالعه با رویکردی توصیفی-تحلیلی و به روش پیمایشی در سال ۱۳۹۱ انجام گرفت. داده‌های تحقیق با تکنیک پرسشنامه ترکیبی (محقق ساخته و استاندارد) از ۲۷۲ نفر دانشجوی همسر دار که با روش‌های طبقه‌ای متناسب و خوشه‌ای یک مرحله‌ای انتخاب شدند، جمع‌آوری گردید. نتایج مطالعه حاکی از به تأیید رسیدن اکثریت فرضیات تحقیق بود، هر چند که برخی از یافته‌ها در جهت مورد انتظار نبوده است. بر اساس نتایج، سطح و میزان رضایت زناشویی بر حسب الگوهای ازدواج، عوامل همسان‌همسری و ویژگی‌های جمعیتی پاسخگویان و همسران آن‌ها متفاوت و معنی‌دار بوده است. نتایج رگرسیون چند متغیره حاکی از آن بود که در رضایت زناشویی دانشجویان ترکیبی از عوامل الگوهای ازدواج و عوامل جمعیتی و نوسازی تأثیر دارند و این عوامل حدود ۶۵ درصد از تغییرات رضایت زناشویی را توضیح می‌دهند. به طور خلاصه، نتایج مطالعه حاضر با پیش‌فرض‌های رویکردهای نوسازی و ایده‌ای، همسان‌همسری و تا حدودی نظریه میدانی لوین انطباق داشته است.

کلید واژه‌ها: الگوهای ازدواج، عوامل نوسازی، عوامل جمعیتی، رضایت زناشویی، دانشجویان همسر دار،

دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۵/۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۱۰

- این مقاله بخشی از یافته‌های طرح «بررسی الگوهای تشکیل ازدواج و ارتباط آن با رضایت زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج» است که با حمایت‌های مادی و معنوی معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج به انجام رسیده است. نگارندگان مقاله، بدین وسیله مراتب تقدیر و تشکر خود را از آن معاونت محترم، ناظر و داوران محترم طرح، داوران محترم مقاله، و همچنین پرسشگران طرح و کلیه دانشجویانی که در مطالعه شرکت نمودند ابراز می‌دارند.

- ۱- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج jalil.sahabi@gmail.com
- ۲- گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج saeedkhani@ut.ac.ir
- ۳- دانشجوی کارشناسی ارشد رفاه و برنامه‌ریزی اجتماعی، دبیر آموزش و پرورش منطقه دهگلان

۱- طرح مسأله

ازدواج یکی از قوی‌ترین روابط انسانی است. کیفیت این رابطه دائماً توسط زوجین باز تعریف می‌شود و به‌طور بالقوه برای کل تجربه زندگی خانوادگی آن‌ها مهم است (پیمنتل^۱، ۲۰۰۰). "ازدواج یکی از نهادهای اجتماعی عام است، یعنی در هر جامعه‌ای اکثریت افراد دست‌کم یک بار در زندگی‌شان ازدواج می‌کنند. از طرف دیگر، عادات و رسوم ازدواج و خانواده در همه جوامع یکسان نیست، بلکه تفاوت‌های بسیار زیادی در میان جوامع و مناطق از نظر چگونگی ازدواج، ازدواج با چه کسی و با چند نفر، و ... وجود دارد." (اوبسکرا و لیو^۲، ۲۰۰۸: ۲). به‌طور خلاصه، ازدواج پیوند قانونی مرد و زن با همدیگر است و دقیقاً در ارتباط با نهاد خانواده است و کارکرد آن‌ها کنترل و تنظیم زندگی جنسی و اجتماعی انسان است. راثو^۳ بیان داشته است که ازدواج "شیوه اجتماعاً پذیرفته شده ایجاد یک خانواده مولد نسل" است و به نقل از وسترمارک^۴ نیز بیان می‌کند که "ازدواج از خانواده ریشه گرفته است تا اینکه خانواده از ازدواج ریشه گرفته باشد" (راثو، ۲۰۰۲).

ازدواج با هر هدفی که تشکیل شده باشد، رضایت از آن و رضایت از زندگی زناشویی در کیفیت و دوام و بقای آن اثر غیرقابل انکاری دارد. وقتی زن و شوهر از ازدواج خود رضایت داشته باشند، خانواده از استحکام خوبی برخوردار می‌شود و آن‌ها می‌توانند با مسائل و مشکلات به درستی برخورد کنند و از آسیب‌ها در امان بمانند. بنابراین، از آن جا که رضایت زوجی می‌تواند در دوام و پایداری ازدواج نقش داشته باشد، اهمیت مسأله ایجاب می‌کند که هنگام همسرگزینی، افزون بر عوامل مهمی چون ویژگی‌های شخصیتی، سبک زندگی، عوامل شناختی و ... به عوامل عینی مهم‌تری چون همسان‌همسری قومی و مذهبی، عوامل جمعیت‌شناختی سن ازدواج، فاصله سنی، نحوه انتخاب همسر و ... که در مجموع تأمین‌کننده سلامت جسمانی و روانی افراد هستند و می‌توانند رضایت زوجین از ازدواج و زندگی‌شان را مؤثر سازند توجه شود تا با انتخابی درست در سایه خشنودی و رضایت زوجی محیطی سالم و سازنده فراهم شود تا پایه و اساس نسل‌های آینده، پیشرفت جامعه، اعتلای فرهنگ و انتقال ارزش‌ها در آن امکان‌پذیر شود.

تحقیقات اخیر نشان داده‌اند که عوامل متعددی از جمله شیوه‌های ارتباطی مؤثر در حل تعارضات زناشویی، احترام متقابل، روابط قبل از ازدواج، همخوانی باورهای زوج، سن ازدواج، فاصله سنی زوجین،

1. E. E. Pimentel
2. D. M. Ubesequera and Jiaojiang Luo
3. C. N. S. Rao
4. B. E. Westermarck

همسان‌همسری قومی و مذهبی، مدت زمان زندگی مشترک، تعداد فرزندان خانواده و ترکیبی از عوامل فوق در رضایت‌مندی زناشویی مؤثر است (فنکنور و هیومن^۱، ۲۰۰۰؛ میراحمدی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۲؛ فاتحی‌زاده و احمدی، ۱۳۸۴؛ صیادپور، ۱۳۸۲؛ ناصحی و دیگران، ۱۳۸۳؛ محمودیان، ۱۳۸۵؛ موسوی و دیگران، ۱۳۸۴). با توجه به این مطالعات، می‌توان نتیجه گرفت که پدیده‌ی ازدواج بر حسب زمان تشکیل، نحوه‌ی شکل‌گیری، دوام و بسیاری از جنبه‌های دیگر تحت تأثیر بافت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه و ابعاد شخصیتی و فردی زوجین قرار داشته و خود نیز مؤثر بر جامعه در سطح کلان و عناصر خانواده در سطح خرد از جمله رضایت زناشویی می‌باشد. به عنوان مثال، سن ازدواج یکی از ابعاد مهمی است که پایین یا بالاتر بودن آن (زودرس یا دیررس بودن ازدواج) و تجارب ملتزم با آن در زندگی می‌تواند به نحو متفاوتی رضایت زناشویی را تحت تأثیر قرار دهد. مدت زمان ازدواج و گذشت سن، از عوامل دیگری است که احتمالاً در افزایش یا کاهش این رضایت نقش دارد. برای نمونه، سلیمی و دیگران (۱۳۸۷) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که افزایش مدت زمان ازدواج با کاهش رضایت زناشویی همراه است اگرچه این رابطه معنادار نبوده است.

بعد دیگر ازدواج، میانگین فاصله سنی زوجین است. برخی از مطالعات (محمودیان، ۱۳۸۵؛ کاسترلاین و دیگران^۲، ۱۹۸۶) اذعان کرده‌اند که فاصله سنی زوجین به طور مستقیم با خطر جدایی زوجین و انحلال خانواده در ارتباط است. این فاصله همچنین، بر روابط زوجین تأثیرگذار است. بدین معنی که ثبات رابطه زناشویی، میزان رضایت از ازدواج، تصمیم‌گیری در مورد اندازه‌ی خانواده و استفاده از وسایل جلوگیری از حاملگی با توجه به اندازه‌ی فاصله سنی زوجین تغییر می‌کنند. از الگوهای دیگری که می‌تواند رضایت زناشویی را تحت تأثیر قرار دهد همسانی یا ناهمسانی زبانی و مذهبی زوجین می‌باشد. بنابراین، بررسی ازدواج بر اساس زبان و قومیت زوجین دانشجو و تأثیر این دو متغیر در رضایت یا عدم رضایت زناشویی مهم می‌نماید. الگوی دیگری که بی‌ارتباط با ازدواج‌های زودهنگام^۳ و ازدواج‌های ترتیب‌یافته^۴ نیست، وجود نسبت فامیلی در میان زوجین است. این بدان معناست که ازدواج خویشاوندی با ازدواج‌هایی که در سنین پایین و با انتخاب غیرشخصی همسر صورت می‌گیرد در ارتباط است و همین نکته می‌تواند رضایت زناشویی را تحت تأثیر قرار دهد. در کنار این‌ها، نحوه‌ی انتخاب همسر زوجین به شکل انتخاب شخصی یا به واسطه اجبار والدین و اعضای فامیل نیز می‌تواند به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر رضایت زناشویی اثرگذار باشد.

1. C. Finkenauer & H. Hazman
2. J. B. Casterline, et al.
3. Early Marriages
4. Arranged Marriages

به طور خلاصه، اگر در نتایج تحقیقات فوق عمیق‌تر شویم، در می‌یابیم که عواملی مانند روابط قبل از ازدواج و آشنایی قبلی با همسر، سن ازدواج و فاصله سنی زوجین، همسان‌همسری قومی و مذهبی و عواملی دیگر مثل شیوه انتخاب همسر، بر زمان و نحوه شکل‌گیری ازدواج یا به بیان ساده‌تر بر الگوهای شکل‌گیری ازدواج حکایت کرده و بیشتر بر رضایت زوج از ازدواج تأثیر دارند.

بنابراین، با توجه به اینکه یکی از عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی افراد، الگوهای شکل‌گیری ازدواج و ابعاد آن است، در این مطالعه به بررسی الگوهای ازدواج دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج و ارتباط این الگوها با سطح و میزان رضایت زناشویی آن‌ها پرداخته می‌شود. لذا، پاسخ به سؤالات زیر جزء اهداف مطالعه است:

۱- دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج از نظر الگوهای ازدواج چه وضعیتی دارند؟ به بیان دیگر، وضعیت دانشجویان و همسران آن‌ها از نظر سن در زمان ازدواج اول، میانگین فاصله سنی، زبان و مذهب، نسبت فامیلی، روابط قبل از ازدواج و نحوه انتخاب همسر در ازدواج اول، و الگوی سکونت در هنگام ازدواج چگونه است؟

۲- ارتباط الگوهای مختلف ازدواج با میزان رضایت زناشویی، به‌ویژه رضایت ازدواجی و خانوادگی در میان دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی سنندج چگونه است؟

۳- نقش متغیرهای جمعیت‌شناختی دانشجویان و همسران آن‌ها مانند سن، شغل، درآمد، محل سکونت، تعداد فرزندان و مدت زمان زندگی مشترک و سایر متغیرهای مطالعه بر رضایت زناشویی آن‌ها چگونه است؟

۲- مروری بر دیدگاه‌های نظری

الف) نظریه نوسازی^۱ در ارتباط با ازدواج و الگوهای آن

نظریه نوسازی یا همگرایی خانواده^۲ یکی از رایج‌ترین و پرکاربردترین تبیین‌های ساختاری^۳ در تبیین تحولات نهاد ازدواج و خانواده است (عسکری‌ندوشن و دیگران، ۱۳۸۸؛ عباسی شوازی و صادقی، ۱۳۸۴؛ صادقی و دیگران، ۱۳۸۶). "نظریه نوسازی که بر پایه ترکیب مدل‌های مفهومی دو نظریه جامعه‌شناختی، نظریه تکاملی قرن نوزدهم و نظریات کارکردی- ساختی قرن بیستم بسط یافته است، پایه نظری بسیاری از تحقیقات در زمینه تحولات نظام خانواده و به‌ویژه الگوهای ازدواج را تشکیل می‌دهد." (کنعانی، ۱۳۸۵:

1. Modernization Theory
2. Family Convergence
3. Structural Explanation

۱۰۷). بر طبق این تئوری، فرایند مدرنیزاسیون، موجب تجدید ساختار جوامع از طریق صنعتی شدن، شهرنشینی، افزایش آموزش، گسترش رسانه‌های گروهی، توسعه حمل و نقل، ارتباطات و ... می‌گردد. تحت تأثیر این تحولات ساختاری، الگوها و عناصر سنتی ازدواج و خانواده در جوامع کمتر توسعه‌یافته، سرانجام به سمت مدل جهانشمول خانواده مدرن غرب با ویژگی‌هایی نظیر هسته‌ای بودن، فردمحوری، آزادی در انتخاب همسر، ازدواج در سنین بالا، باروری پایین و برابری جنسیتی پیش خواهد رفت.

"ویلیام گود^۱ در قالب این تئوری با مطرح کردن ایده‌ی "انقلاب جهانی در الگوهای خانواده" معتقد است که فرایند جهانی نوسازی، صنعتی شدن و شهرنشینی موجب تغییر در ساختار سنتی خانواده و توسعه خانواده‌های جدید از نوع اروپایی در سراسر جهان شده است. در این فرایند نقش شبکه خویشاوندی در روابط خانوادگی تغییر یافته و الزامات دوجانبه بین زوجها و شبکه خویشاوندی وجود ندارد. نومکانی، انتخاب آزادانه همسر، توافق اولیه بین زن و شوهر و ضرورت علاقه دو جانبه بین آنها از نتایج سازگاری خانواده با شرایط زندگی مدرن است و زمانی که چنین سیستمی از خانواده شکل می‌گیرد و زنان نقش بیشتری در فعالیت‌های خارج از خانه می‌یابند، ما باید انتظار تغییر الگوهای ازدواج را داشته باشیم." (به نقل از کنعانی، ۱۳۸۵: ۱۰۷).

البته، در کنار فرایند نوسازی و متغیرهای نشانگر آن مانند شهرنشینی، سطح سواد و تحصیلات، اشتغال، حمل و نقل و ارتباطات که بخشی از الگوهای ازدواج را تبیین می‌کنند، به نقش عوامل فرهنگی-هنجاری و ارزشی نیز در این زمینه تأکید شده است. بر این مبنا، ویژگی‌های فرهنگی نیز تبیین‌کننده‌ی بخشی از تغییرات الگوهای ازدواج به شمار می‌روند، به طوری که نقش زمینه‌های فرهنگی متفاوت مانند قومیت و مذهب در مورد الگوهای ازدواج تا اندازه‌ی زیادی در جوامع مختلف مورد تأیید قرار گرفته و بر تفاوت این الگوها صحنه گذاشته شده است (لستهاق و النس^۲، ۱۹۸۹؛ لستهاق و دیگران، ۱۹۸۹؛ تاپا^۳، ۱۹۸۹؛ اکسنوس و گالتیانو^۴، ۱۹۹۲؛ مالهورا^۵، ۱۹۹۷؛ پالمور^۶، ۱۹۸۳؛ تیولادهار^۷، ۱۹۸۵).

مطالعات صورت گرفته در ایران (عباسی شوازی و دیگران^۸، ۲۰۰۹؛ عباسی شوازی و عسکری-ندوشن، ۱۳۸۴؛ محمودیان، ۱۳۸۳؛ کاظمی‌پور، ۱۳۸۳؛ محمدپور و دیگران، ۱۳۸۸) نیز نشان می‌دهد که به

1. W. J. Good
2. Lesthaeghe, R. & F. Eelens
3. S. Thapa
4. P. Xenos & S. A. Gultiano
5. A. Malhotra
6. J. Palmore
7. J. M. Tuladhar
8. M. J. Abbasi-Shavazi, et al.

خاطر عوامل مهمی چون توسعه آموزش همگانی به‌ویژه برای زنان و سایر مؤلفه‌های نوگرایی، الگوهای ازدواج رو به تغییر نهاده است. البته مطالعات دیگر (عباسی شوازی و خانی، ۱۳۸۸؛ عباسی شوازی و صادقی، ۱۳۸۴؛ عباسی شوازی و دیگران، ۲۰۰۸) به‌رغم اذعان به اثرگذاری عوامل نوسازی بر الگوهای ازدواج، به عاملیت و نقش مؤلفه‌های فرهنگی مانند قومیت و مذهب بر روی ازدواج و چگونگی شکل‌گیری آن نیز دست یافته‌اند.

ب) نظریات مرتبط با رضایت زناشویی^۱ نظریه میدانی لوین^۲

نخستین مفهومی که از نظریه میدانی برمی‌آید، آن است که رفتار فرد اولاً به ویژگی‌های شخصی (نظرات، توانایی‌ها، شخصیت، تندرستی و نظایر آن) و ثانیاً به موقعیت اجتماعی که شخص در آن لحظه در آن قرار گرفته است، مانند حضور دیگران، میزان ممانعت از رسیدن به هدف و ... بستگی دارد. "لوین معتقد است که همه کنش‌های ما از میدانی که در آن قرار داریم، تأثیر می‌پذیرد. انسان مانند نقطه است که در داخل فضای زندگی خود در حال حرکت است و نیروهایی که در داخل این فضای زندگی وجود دارد، او را به یک طرف می‌کشند یا از حرکت به طرف دیگر باز می‌دارند. لوین حالتی از تعادل بین فرد و محیط را لازم می‌دانست و بر این باور بود که اگر این تعادل در ارگانیسم به هم بخورد، در او «تنش» به وجود می‌آید" (ستوده، ۱۳۷۹: ۱۳۷).

"از نظر لوین، افراد در یک فضای روانی حرکت می‌کنند، به طوری که قصدها آن‌ها را فشار می‌دهند و جاذبه محیطی آن‌ها را به طرف خود می‌کشند. لوین انسان‌ها را به صورت بدن‌های متحرکی در نظر داشت که به خاطر فشار نیروی درونی و کشش نیروهای محیطی، در جهت‌های خاصی حرکت می‌کنند" (ریو، ۱۳۸۱، ۱۶۰).

۳- نظریه همسان‌همسری^۳

"این نظریه، استحکام خانواده را ناشی از وجود ویژگی‌های همسان میان زن و شوهر می‌داند. همسانی میان دو فرد، نه تنها آنان را به سوی یکدیگر جذب می‌کند بلکه پیوند و وصلت ایشان را استوار می‌سازد." (ریاحی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۷). به سخن دیگر، ناهمسانی میان دو همسر سرچشمه کشمکش-

-
1. Marital Satisfaction
 2. Levin's Field Theory
 3. Homo-gamy Theory

های خانوادگی است. "به عقیده هیل^۱، افراد مایلند همسری برگزینند که بیشتر همسانشان باشد تا ناهمسانشان و چنانچه این قاعده به دلایلی رعایت نگردد احتمالاً زوجین دچار ناسازگاری و در نهایت جدایی می‌شوند. باورمن^۲ می‌گوید: انسان، دانسته یا ندانسته در پی گزینش همسری است که صفاتی همگون با او داشته باشد. افراد، در تمامی سنین در میدانی فراخ‌تر از آنکه تصادف بتواند بر آن کارگر باشد، با کسانی وصلت می‌کنند که از نظر موقعیت زناشویی همانند خودشان باشد. به گمان لاک و برگس^۳، در هر لحظه، بخت هر فرد بیشتر در راستای ازدواجی همسان‌گزینانه عمل می‌کند تا ناهمسان‌گزین. وود^۴، در اثرش، ازدواج از دیدگاه مذهبی، می‌گوید: هر قدر همگونی میان دو همسر از نظر مذهب و نژاد کمتر باشد، اختلاف و کشمکش ایشان بیشتر است. شنگ و یامامورا^۵، بر این باورند که هر قدر پیوندهای قومی و فرهنگی میان زن و شوهر محکم‌تر باشد، خطر جدایی به مراتب در میان ایشان کمتر است. به طور کلی، هر قدر درجه همگونی همسران بیشتر باشد، زناشویی آنان استوارتر و پایدارتر است." (نقل از ساروخانی، ۱۳۸۵: ۶۶-۴۰).

در مجموع، می‌توان گفت که تقریباً تمامی نظام‌های همسرگزینی، متمایل به ازدواج همسان هستند که این خود می‌تواند نتیجه تمایل به معامله‌گری و مبادله ارزش‌های معنوی و دارایی‌های مادی باشد.

۴- نظریه مبادله^۶

"نظریه مبادله، سعی دارد نشان دهد که رفتار برحسب پاداش‌هایی که دریافت کرده و هزینه‌هایی که به همراه می‌آورد، تغییر می‌کند. رفتارهای مورد نظر در این‌جا، رفتارهایی هستند که بین دو شخص تعامل ایجاد می‌کنند، یعنی رفتارهایی که در آن‌ها بین دو شخص تبادل وجود دارد و هر دو نفر پاداش‌ها و هزینه‌های ناشی از این تبادل را محاسبه می‌کنند. طبق اصل عدالت، تعامل زمانی حفظ می‌شود که رابطه پاداش‌ها و هزینه‌های طرفین، برابر باشد. در واقع، فرد آنچه را که برای یک رابطه هزینه می‌کند و آنچه را که از آن به دست می‌آورد، با یکدیگر مقایسه می‌کند؛ سپس نتیجه را با آنچه از نظر او طرف مقابل به دست می‌آورد، مقایسه می‌کند. اگر احساس نابرابری کند، احتمالاً این رابطه با خطر مواجه خواهد شد. برای تبیین روابط زن و شوهر و نیز روابط بین گروه‌هایی که باید برای رسیدن به توافق مذاکره کنند، از

1. Hill
2. Bowerman
3. Lock & Burgess
4. Wood
5. Cheng & Yamamura
6. Exchange Theory

دیدگاه مبادله اجتماعی استفاده می‌شود. " (بدار و دیگران، ۱۳۸۱: ۲۶). بدین ترتیب، از دیدگاه این نظریه "روابط بین زن و شوهر هم یک نوع مبادله محسوب می‌شود که از ابتدای زندگی شروع می‌شود. اگر حقوق متقابل آن‌ها را به عنوان پاداش و هزینه تلقی کنیم، زندگی آن‌ها بر مدار مبادله متقابل جریان می‌یابد. از طرف دیگر، عدم برابری هزینه و پاداش برای زوجین، منجر به احساس بی‌عدالتی و نابرابری در مبادله می‌گردد و در نهایت، منجر به گسست روابط متقابل زوجین می‌شود." (جلیلیان، ۱۳۷۵: ۴۵-۴۴).

بنابراین، هر چه پاداش‌هایی که یکی از زوجین از دیگری دریافت می‌کند، از پاداش‌هایی که پرداخت می‌کند کمتر باشد (به طور واقعی یا خیالی)، و یا هزینه‌های پرداختی یکی از زوجین به دیگری، یا حتی کل خانواده بیشتر از حد واقعی یا مورد انتظار باشد، حالت زیان‌دیدگی به فرد دست می‌دهد. در این وضعیت، او خود را در مقام یک فرد زیان‌دیده می‌بیند که پایان دادن به رابطه زناشویی، به عنوان یکی از راه‌حل‌های اساسی برای دستیابی به پاداش یا حداقل فرار از پرداخت هزینه‌های بیشتر، برایش ارزشمند می‌گردد. بنابراین، زوجینی که نتوانند تعادل دلخواه را در زمینه مبادله هزینه‌ها و پاداش‌ها برقرار نمایند، به احتمال زیاد به ناسازگاری و گسستن این رابطه گرایش می‌یابند.

۵- مروری بر مطالعات انجام‌گرفته

اگرچه در مرور تجربی موضوع، تحقیق خاصی با تمرکز بر الگوهای تشکیل ازدواج و ارتباط آن با رضایت زناشویی یافت نشد، اما به نتایج برخی از مطالعاتی که به‌طور غیرمستقیم با موضوع مورد بررسی ارتباط می‌یابند، اشاره شده و از آن‌ها نقد و بررسی و نتیجه‌گیری به عمل می‌آید:

بهاری (۱۳۸۶) در تحقیقی به منظور بررسی میزان رضایت زناشویی ازدواج‌های دانشجویی و عوامل مؤثر بر آن، به این نتیجه رسید که میانگین رضایت زناشویی برحسب ازدواج‌های دانشجویی و غیردانشجویی، جنسیت، هم‌زبان یا غیر هم‌زبان بودن زوجین و سطح درآمد تفاوت معنی‌داری ندارد، اما میانگین رضایت زناشویی زوجین غیر هم‌رشته، زوجین غیر علوم انسانی، زوجین غیر هم‌پایه تحصیلی و زوجین دارای فاصله سنی ۲ تا ۴ سال بیش از زوجین هم‌رشته، علوم انسانی، هم‌پایه تحصیلی و بیش از ۵ سال فاصله سنی می‌باشد.

سیادت و همایی (۱۳۸۵) در مطالعه بررسی میزان رضایت زناشویی در ازدواج‌های دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی شهرکرد و دولتی اصفهان به این نتیجه رسیدند که زوج‌های دارای ازدواج دانشجویی هر دو دانشگاه در کلیه مؤلفه‌های زندگی زناشویی مورد بررسی رضایت دارند. در این بررسی، تفاوت معنی‌داری بین میزان رضایت زناشویی و مدت زمان ازدواج وجود نداشته است، اما استنباط کرده‌اند که با گذشت

زمان ازدواج، میزان رضایت زناشویی کاهش یافته است. همچنین، میزان رضایت زناشویی در میان رشته‌های مختلف تحصیلی یکسان بوده است. نهایتاً اینکه، با افزایش سن میزان رضایت زناشویی زوجین شاغل به تحصیل در دانشگاه آزاد اسلامی شهرکرد کاهش یافته است، اما در دانشجویان دانشگاه دولتی اصفهان تفاوت معنی‌داری نداشته است.

صیادپور (۱۳۸۲) در تحقیق خود به منظور بررسی میزان رضایت ازدواجی دانشجویان دریافت که جنسیت، سال‌های زندگی مشترک، سن همسر و اختلاف سنی با همسر بر میزان رضایت از زندگی زناشویی تأثیر دارند، اما عواملی مانند درآمد خانواده و شیوه آشنایی بر میزان رضایت افراد از ازدواج تأثیر نمی‌گذارند.

موسوی و دیگران (۱۳۸۴) به این نتیجه رسیدند که دانشجویانی که قبل از ازدواج خود رابطه داشته‌اند نسبت به افرادی که دارای این رابطه نبوده‌اند، در درجه اول تعارضات زناشویی کمتری داشته‌اند. دوماً، کاهش همکاری آن‌ها کمتر بوده و سوماً، میزان افزایش واکنش هیجانی آن‌ها کمتر بوده است. نهایتاً، زوجینی که دارای روابط قبل از ازدواج بوده‌اند کمتر امور مالی را از یکدیگر جدا کرده و این تفاوت‌ها از نظر آماری معنادار بوده است.

نتایج تحقیق هورول^۱ (۲۰۰۱) نشان داد که افرادی که ازدواج فامیلی دارند سازگاری زناشویی پایینی داشته و تعارض بیشتری با خانواده خود نسبت به افراد دارای ازدواج غیرفامیلی دارند.

صداقت (۱۳۸۲) در تحقیق خود به بررسی رابطه سن ازدواج، فامیلی یا غیرفامیلی بودن ازدواج، تعداد فرزندان و تشابه اعتقادی با رضایت زناشویی در میان ۲۷۶ نفر از دبیران شهر تهران پرداخت و به این نتیجه رسید که زنانی که در سن زیر بیست سالگی ازدواج کرده‌اند رضایت زناشویی کمتری دارند و کسانی که در سنین ۲۰ تا ۳۰ سال ازدواج کرده‌اند بهترین رضایت زناشویی را دارند. در این تحقیق مردان دارای دو فرزند دارای بالاترین میزان رضایت زناشویی و مردان دارای ۴ فرزند و بیشتر دارای کمترین رضایت زناشویی بوده‌اند. به علاوه، هر چه طول مدت ازدواج زنان بیشتر شده رضایت زناشویی آن‌ها کاهش یافته و با افزایش سن آن‌ها رضایت زناشویی‌شان هم کاهش یافته است. همچنین، بین کسانی که ازدواج فامیلی داشته‌اند با کسانی که ازدواج غیرفامیلی داشته‌اند، تفاوت معنی‌داری مشاهده نشده است.

کارنی و برادبری^۲ (۲۰۰۰)، در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که روی هم‌رفته، سن بالاتر در زنان، ازدواج با ثبات رضایت زناشویی بیشتری را پیش‌بینی می‌کند. شبانی‌حصار (۱۳۸۰) هم، نشان داد که بیشترین میزان رضایتمندی زناشویی مربوط به زوجینی است که کمتر از ۵ سال از زندگی زناشویی آن‌ها

1. F. Hurol

2. B. R. Karny & T. N. Bradbury

می‌گذرد و کمترین میزان رضایتمندی زناشویی مربوط به زوجینی است که ۵ تا ۱۰ سال از زندگی زناشویی آن‌ها گذشته است.

عطاری و دیگران (۱۳۸۵) در مطالعه خود با عنوان «بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و عوامل فردی- خانوادگی با رضایت زناشویی در کارکنان اداره‌های دولتی شهر اهواز» به این نتیجه دست یافتند که بین وضعیت اقتصادی و رضایت زناشویی رابطه مثبت وجود دارد، اما رابطه بین عوامل فردی- خانوادگی تعداد فرزندان و طول مدت ازدواج با رضایت زناشویی منفی است. در تحقیق آن‌ها، بین عوامل فردی- خانوادگی سن ازدواج، فاصله سنی، نوع ازدواج (فامیلی یا غیرفامیلی) و تحصیلات با رضایت زناشویی رابطه معنی‌داری مشاهده نشد. نهایتاً، آن‌ها دریافتند که عوامل شخصیتی و فردی- خانوادگی با رضایت زناشویی رابطه‌ای چندگانه دارند.

هر یک از مطالعات فوق در مکان‌ها و زمان‌های خاصی، رضایت زناشویی را به عنوان متغیر وابسته محور بررسی خود قرار داده‌اند. بیشتر آن‌ها به صورت تطبیقی و علی- مقایسه‌ای انجام گرفته یا رضایت زناشویی را در ارتباط با مؤلفه‌های بعد از تشکیل خانواده، با تأکید بر عوامل فردی، روانی و شخصیتی بررسی کرده‌اند. به علاوه، اکثراً عواملی چون نحوه انتخاب همسر، نسبت با همسر، قومیت و مذهب همسر و پیش‌رسی یا دیررسی ازدواج را نادیده گرفته‌اند.

۶- چارچوب نظری و فرضیات

چارچوب نظری مطالعه از ترکیب نظریات نوسازی، همسان‌همسری، میدانی لوین و مبادله گرفته شده و بر مبنای آن‌ها فرضیات تحقیق ساخته و پرداخته شده است.

براساس نظریه نوسازی، فرایند مدرنیزاسیون، موجب تجدید ساختار جوامع از طریق صنعتی شدن، افزایش شهرنشینی، افزایش تحصیلات، ایجاد نقش‌های جدید به‌ویژه برای زنان، گسترش ایده‌های نو، گسترش رسانه‌های گروهی، ارتباطات و ... می‌گردد. تحت تأثیر این تحولات، الگوهای سنتی ازدواج، به سمت مدل‌های جدید با ویژگی‌هایی نظیر فردمحوری، آزادی در انتخاب همسر، ازدواج در سنین بالا و ... پیش خواهد رفت.

براساس نظریه همسان‌همسری، انسان‌ها در ازدواج به دنبال افرادی هستند که ویژگی‌های همسان داشته و مکمل همدیگر باشند. چون پیش‌فرضشان این است که هر چه تجارب و دستاوردهایشان به هم نزدیک‌تر باشد، آسان‌تر می‌توانند اندیشه‌ها، احساسات و جهان‌بینی همدیگر را دریابند و برعکس.

بر مبنای نظریه میدانی لوین، هیچ یک از افراد بدون در نظر گرفتن شرایط فردی و محیطی، رفتاری را انجام نمی‌دهند. بر این اساس، ازدواج آزاد، ازدواجی است که در آن جستجو برای شریکی صورت می‌گیرد که به کمک او نیازهای متقابل برآورده می‌شود. همچنین، این تئوری این امکان را برای ما فراهم می‌آورد که متغیرهای دموگرافیک را در موضوع مورد بررسی لحاظ کنیم.

برطبق نظریه مبادله در هنگام ازدواج، هر کس به صحبت‌ها و شخصیت و خانواده و ... فرد مورد نظر خود توجه می‌کند و پس از تجزیه و تحلیل آن‌ها در مورد میزان داده و ستانده خود در صورت انجام این ازدواج، تصمیم می‌گیرد. در زندگی زناشویی رفع انتظارات و نیازها و عدم احساس بی‌عدالتی از طرف زوجین، سازگاری زناشویی را به همراه خواهد داشت و برعکس.

بر مبنای چارچوب نظری فوق، فرض می‌شود که دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج تحت تأثیر مؤلفه‌های نوسازی و با سنجیدن شرایط و در نظر گرفتن معیارهای همسان در ازدواج، دارای ازدواج‌هایی هستند که غالباً از نوع دیرهنگام، دارای زمینه‌های آشنایی و روابط قبلی، با انتخاب شخصی، از نوع غیرخویشاوندی و مستقل از خانواده همسر (زن و شوهر) است. این الگوها، در کنار ویژگی‌های همسان زوجین و با فرض مبادله‌ای بودن زندگی زناشویی و البته، با واسطه متغیرهای فردی و دموگرافیک، سطح رضایت زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بدین ترتیب، فرضیات زیر مطرح و مورد آزمون قرار می‌گیرند:

۱. الگوی ازدواج دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی سنندج دیرهنگام است.
۲. دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی سنندج دارای ازدواج‌های همسان سنی، قومی (زبانی)، مذهبی و جغرافیایی بوده‌اند.
۳. دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی سنندج دارای زمینه‌های آشنایی و روابط قبل از ازدواج بوده‌اند.
۴. الگوی ازدواج دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی سنندج آزادانه و مبتنی بر انتخاب شخصی است.
۵. الگوی ازدواج دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی سنندج غیرخویشاوندی است.
۶. دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی سنندج در هنگام ازدواج به صورت مستقل سکنی می‌گزینند.
۷. میزان و سطح رضایت زناشویی دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی سنندج برحسب متغیرهای جمعیت‌شناختی متفاوت است.

۸. سطح رضایت زناشویی دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی سنندج بسته به الگوهای مختلف تشکیل ازدواج متفاوت است.

۹. میزان رضایت زناشویی دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی سنندج تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل الگوهای ازدواج، عوامل فردی و جمعیت‌شناختی، همسان‌همسری، و جریان مبادله در زندگی می‌باشد.

۷- نحوه سنجش مفاهیم و متغیرهای مطالعه

۱. مؤلفه‌های نوسازی: برای عملیاتی‌کردن این مفهوم، از متغیرهای محل سکونت (شهر- روستا، به منظور سنجش درجه یا نسبت شهرنشینی)، برخورداری از شغل (به منظور سنجش موقعیت مردان و زنان در جامعه)، برخورداری از تحصیلات بالا (به منظور سنجش سطح برخورداری از تحصیلات عالی)، و برخورداری از رسانه‌های همگانی (به منظور سنجش سطح و میزان تأثیرپذیری از رسانه‌ها) در دانشجویان استفاده شده است.

۲. متغیرهای فردی و جمعیت‌شناختی: در این مطالعه از دانشجویان متأهل، نسبت به متغیرهایی چون سن، تحصیلات، شغل، و درآمد آن‌ها و همسرشان، محل سکونت (شهر، روستا)، تعداد فرزند (فرزندان) و مدت زمان زندگی مشترک با همسر بررسی به عمل آمده است.

۳. الگوهای ازدواج: الگوهای ازدواج شامل سن فرد و همسر، روابط و زمینه‌های قبل از ازدواج، نحوه انتخاب همسر، نسبت با همسر و نحوه سکونت در هنگام ازدواج اول می‌شود.

با بررسی سن در هنگام اولین ازدواج مشخص می‌شود که آیا افراد ازدواج زودهنگام داشته‌اند یا دیرهنگام. جمعیت‌شناسان در این زمینه شاخص پیش‌رسی ازدواج^۱ را به کار می‌برند و "برای بررسی پیش‌رسی ازدواج در زنان، نسبت ازدواج‌کرده‌های گروه سنی ۱۴- ۱۰ سال و ۱۹- ۱۵ سال و برای بررسی پیش‌رسی ازدواج در مردان، نسبت ازدواج‌کرده‌های گروه سنی ۱۹- ۱۵ سال و ۲۴- ۲۰ سال را مورد بررسی قرار می‌دهند." (میرزایی، ۱۳۸۱: ۸۲). برای عملیاتی کردن الگوی سنی ازدواج در تحقیق حاضر، از قاعده فوق پیروی شده است و با سؤال از سن ازدواج زوجین در ازدواج اول، هر چه میانگین سن ازدواج دانشجویان به سنین یاد شده نزدیک‌تر بوده باشد، حاکی از زودهنگام بودن ازدواج آن‌ها می‌باشد.

الگوی دیگر ازدواج، ترتیب‌یافتگی یا شخصی و آزادبودن ازدواج است. برای عملیاتی‌کردن این الگو، هم در مورد نحوه انتخاب همسر دانشجویان متأهل در ازدواج اول (توصیه پدر و مادر، توصیه

1. Early Marriage

خویشاوندان و دوستان خانوادگی، انتخاب شخصی، اجباری) سؤال شده است و هم درباره میزان وجود یا عدم وجود روابط قبل از ازدواج و داشتن یا نداشتن زمینه‌های آشنایی قبلی. بنابراین، طبیعتاً کسانی که نحوه انتخاب همسرشان یکی از گزینه‌های اجباری، توصیه پدر و مادر، و یا توصیه خویشاوندان و دوستان خانوادگی بوده و دارای زمینه‌ها و آشنایی قبلی در ازدواج نبوده‌اند، مسلماً در کنار عوامل فردی، تحت تأثیر فشارها و عوامل محیطی قرار داشته و ازدواجشان به تقریب حالتی از ازدواج‌های ترتیب‌یافته یا انتخاب غیرشخصی است و برعکس.

الگوی دیگر، ازدواج خویشاوندی یا غیرخویشاوندی است. برای عملیاتی کردن این الگوی ازدواج، از دانشجویان متأهل در مورد نسبت‌شان با همسر در هنگام ازدواج اول (خویشاوندی نزدیک، خویشاوندی دور، غیرخویشاوند) سؤال به عمل آمده است.

و دیگر الگوی ازدواج، هم‌سکنایی با خانواده یکی از همسران یا مستقل بودن زوجین در هنگام ازدواج اول است. برای عملیاتی کردن این الگو نیز از دانشجویان متأهل سؤال به عمل آمده است که بعد از ازدواج اول در کجا (با خانواده والدین زن یا شوهر، جدا از خانواده والدین زن یا شوهر) سکونت کرده‌اند.

۴. عوامل پاداش و مبادله: برطبق نظریه مبادله، عوامل پاداش و مبادله مجموعه عوامل ارزشمند در زندگی زناشویی هستند که تبادل آن‌ها در بین زوجین، با پذیرش بیشتر همسر و رضایتمندی بالاتر زناشویی همراه است و بالعکس. برای عملیاتی کردن این عوامل، در قالب طیف لیکرت از دانشجویان متأهل راجع به گویه‌هایی مانند سطح کسب مزایای مادی، کسب منزلت و احترام در زندگی زناشویی و تأثیر آن‌ها بر رضایت ازدواجی و زندگی زناشویی سؤال به عمل آمده است.

۵. مؤلفه‌های همسان‌همسری: "همسان‌همسری به معنی پیوند و وصلت فرد با همسری است که دارای ویژگی‌هایی همگون با او از نظر سنی، تحصیلی، جغرافیایی، مذهبی و ... است." (کوئن، ۱۳۷۵: ۱۳۱). در این تحقیق، برای عملیاتی کردن مؤلفه‌های همسان‌همسری، از دانشجویان متأهل درباره عواملی چون سن فرد و همسرش (به منظور بررسی همسان‌همسری سنی و میزان تفاوت سنی زوجین)، زبان فرد و همسرش (به منظور بررسی همسان‌همسری قومی (زبانی))، مذهب فرد و همسرش (به منظور بررسی همسان‌همسری مذهبی)، و محل تولد فرد و همسرش (به منظور بررسی همسان‌همسری جغرافیایی) سؤال به عمل آمده است.

۶. رضایت زناشویی: بر طبق تعریف، "رضایت زناشویی حالتی است که طی آن زن و شوهر از ازدواج با یکدیگر و با هم بودن احساس شادمانی و رضایت دارند." (سینها و موکرجس، ۱۹۹۰). بنر و

هیل^۱ (۱۹۹۹)، رضایتمندی زناشویی را پیامد توافق زناشویی دانسته که رابطه مناسب بین زن و شوهر را توصیف می‌کند. آلوجا، باریو و گارسیا^۲ (۲۰۰۷) به نقل از هاوالت می‌نویسند: "رضایتمندی زناشویی عبارت است از پرونداد ناشی از مجموعه‌ای از عوامل، نظیر حل تعارض موفق‌آمیز، یا موفقیت در فعالیت‌های مرتبط با شادکامی در فرایند ازدواج. در واقع، رضایتمندی زناشویی، یک ارزیابی کلی از وضع فعلی ارتباط ارائه می‌دهد. همچنین رضایت زناشویی یکی از گسترده‌ترین مفاهیم برای تعیین میزان شادی و پایداری رابطه است." (احمدی و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۴۲).

در این پژوهش منظور از رضایت زناشویی، رضایت زوجین از ازدواج و رضایت کلی آن‌ها از زندگی زناشویی است. از این رو، برای سنجش مفهوم رضایت زناشویی و عملیاتی کردن آن، از ۱۶ سؤال مرتبط با رضایت ازدواجی در قالب طیف لیکرت که برگرفته از پرسشنامه سازگاری زناشویی برگس^۳ (میلر، ۱۳۸۰: ۵۶۳-۵۵۹) می‌باشد، استفاده گردید. ۱۶ سؤال برگرفته از پرسشنامه برگس عبارتند از:

۱. همسران را قبل از ازدواج چقدر دوست داشتید؟
۲. همسران قبل از ازدواج چقدر شما را دوست داشت؟
۳. نظرتان نسبت به پدر همسران چیست؟
۴. نظرتان نسبت به مادر همسران چیست؟
۵. نظرتان درباره داشتن بچه چیست؟
۶. اگر بچه دارید چه تأثیری در خوشبختی شما داشته است؟
۷. آیا به همسران اعتماد دارید؟
۸. آیا همسران به شما اعتماد دارد؟
۹. آیا علاقه شما به همسران نسبت به قبل از ازدواج فرق کرده است؟
۱۰. اگر زندگی را از نو آغاز می‌کردید با چه کسی ازدواج می‌کردید؟
۱۱. اگر همسران زندگی را از نو آغاز می‌کرد فکر می‌کنید با شما ازدواج می‌کرد؟
۱۲. کلاً چقدر از ازدواج‌تان راضی هستید؟
۱۳. کلاً همسران چقدر از ازدواج با شما راضی است؟
۱۴. آیا تا به حال از ازدواج‌تان پشیمان شده‌اید؟
۱۵. کلاً چقدر از زندگی زناشویی‌تان راضی هستید؟
۱۶. کلاً همسران چقدر از زندگی زناشویی‌تان راضی است؟

۸- روش و داده‌های تحقیق

این تحقیق در شش ماهه دوم سال ۱۳۹۱ به بعد در کلیه دانشکده‌های دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج و در میان دانشجویان متأهل آن دانشگاه به انجام رسید. تحقیق حاضر ماهیتاً از نوع مطالعات کمی، و رویکردی توصیفی-تحلیلی داشته است. همچنین، با توجه به موضوع، فرضیه‌های تحقیق و نیز کمی بودن نوع پژوهش، به روش پیمایش براساس طرح مقطعی انجام گرفته است.

1. D. G. Benneer & P. C. Hill
2. A. Aluja, D. V. Barrio & F. L. Garcia
3. Burgess Marriage Adjustment Schedule

برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات مورد نظر در زمینه متغیرهای مستقل و وابسته، از پرسشنامه ترکیبی (استاندارد و محقق ساخته) استفاده شد. بدین ترتیب، برای جمع‌آوری اطلاعات جمعیت‌شناختی، مؤلفه‌های نوسازی، الگوهای ازدواج، همسان‌گزینی همسری، عوامل پاداش و مبادله از سؤالات و گویه‌های محقق-ساخته و برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نظر در زمینه رضایت زناشویی از بخشی از پرسشنامه استاندارد رضایت و سازگاری زناشویی برجس استفاده گردید. جهت سنجش دقت و اعتبار^۱ سؤالات پرسشنامه از نظرات اساتید داور و سایر اساتید متخصص در حوزه موضوع مورد مطالعه استفاده شده و اعتبار صوری^۲ سؤالات ملاک قرار گرفت. جهت سنجش پایایی^۳ و سازگاری درونی گویه‌های پرسشنامه، ابتدا تعداد ۱۵ پرسشنامه در بین دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج توزیع شده و ضریب آلفای کرونباخ^۴ آن محاسبه شد. مقدار آلفای مفاهیم بهره‌مندی از رسانه‌های جمعی، عوامل پاداش و مبادله، رضایت زناشویی و کل شاخص‌ها به ترتیب ۰.۷۵۲، ۰.۸۵۵، ۰.۷۵۷، و ۰.۸۳۰ بدست آمد که حاکی از همسانی و سازگاری درونی نسبتاً بالای گویه‌ها می‌باشد.

جامعه آماری پژوهش، در اصل کلیه دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج بود، اما به دلیل در دسترس نبودن آمار دقیق آن‌ها، تعداد کل دانشجویان اعم از مجرد و متأهل مبنا قرار گرفت که بنابر گزارش معاونت آموزشی دانشگاه تعداد کل دانشجویان در سال تحصیلی ۹۲-۹۱، ۱۱۴۸۶ نفر بوده است.

برای تعیین حجم نمونه، با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران اقدام به تعیین حجم نمونه شد. با توجه به تعداد جامعه آماری ($N=11486$)، با در نظر گرفتن سطح معنی داری ۹۵ درصد و رقم ۱.۹۶ برای t و درجه اطمینان (d) ۵ درصد و در نظر گرفتن ۰.۳۰ و ۰.۷۰ برای p (احتمال متأهل بودن) و q (احتمال مجرد بودن)، حجم نمونه معادل ۳۱۴ نفر برآورد گردید، اما نظر به احتمال ریزش، تعداد نمونه به ۳۲۰ نفر افزایش یافت.

برای انتخاب نمونه‌ها، از ترکیب دو روش یعنی، طبقه‌ای متناسب و خوشه‌ای یک مرحله‌ای استفاده شد. بدین منظور، ابتدا براساس جمعیت هر دانشکده تعداد نمونه هر دانشکده از کل نمونه تعیین شد و سپس از پرسشگرانی که محل تحصیل‌شان دانشگاه آزاد اسلامی سنندج می‌باشد (برای هر دانشکده پرسشگرانی از همان‌جا به کار گرفته شد)، خواسته شد در هر روز با هماهنگی کارشناس گروه از هر گروه آموزشی یک کلاس را به صورت قرعه‌کشی انتخاب نموده و بعد از هماهنگی با مدرس مربوطه و

1. Validity
2. Face Validity
3. Reliability
4. Cronbach's Alpha

شناسایی دانشجویان متأهل بخواهد که پرسشنامه‌های توزیعی را تکمیل کنند و این کار را در طول ایام هفته تا تکمیل تمامی پرسشنامه‌های اختصاص‌یافته به هر دانشکده ادامه دهد. به منظور جلوگیری از تکرار مشارکت دانشجویان، از پرسشگران خواسته شد که در روزهای بعدی از دانشجویان بخواهند «کسانی که قبلاً پرسشنامه را تکمیل نموده‌اند از پاسخگویی مجدد امتناع ورزند». بدین شیوه دانشجویان متأهل در هر دانشکده انتخاب و مورد پرس‌وجو قرار گرفتند.

۹- یافته‌های مطالعه

در ادامه ابتدا، ویژگی‌های جمعیتی و اجتماعی- اقتصادی پاسخگویان در قالب آماره‌های تک متغیره ارائه می‌شود. سپس، در بخش استنباطی، نخست به بررسی روابط بین متغیرها (آزمون فرضیات) پرداخته می‌شود، و نهایتاً، نتایج چند متغیره ارائه می‌گردد:

الف) ویژگی‌های جمعیتی و اجتماعی- اقتصادی پاسخگویان

توزیع فراوانی و درصدی دانشجویان مشارکت‌کننده در تحقیق برحسب ویژگی‌های جمعیتی و اجتماعی- اقتصادی در جدول یک ارائه شده است. در این مطالعه، توزیع دانشجویان شرکت‌کننده در تحقیق برحسب جنس تقریباً همسان بوده است؛ به طوری که حدود ۴۹ درصد آن‌ها زن، و حدود ۵۱ درصد مرد بوده‌اند. ۸۹ درصد (۲۷۲ نفر) از دانشجویان شرکت‌کننده در مطالعه دارای همسر، و فقط ۳۴ نفر یا حدود ۱۱ درصد از آن‌ها بیوه (بی‌همسر به علت طلاق و بی‌همسر به علت فوت همسر بوده‌اند. با توجه به اینکه متغیر وابسته، میزان رضایت زناشویی دانشجویان متأهل (همسر دار) شاغل به تحصیل در دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج می‌باشد، ۳۴ مورد از دانشجویان شرکت‌کننده در تحقیق به علت نداشتن همسر در زمان اجرای تحقیق از تجزیه و تحلیل حذف شده و از این به بعد تحلیل‌ها بر روی ۲۷۲ دانشجوی همسر دار انجام گرفته است.

حدود ۸۹ درصد از دانشجویان همسر دار محل سکونت خود را شهر، و حدود ۱۰ درصد محل سکونت خود را روستا بیان کرده‌اند.

نتایج جدول نشان می‌دهد که ۵۸.۵ درصد از دانشجویان مورد مطالعه در مقطع کارشناسی، ۳۶.۴ درصد در مقطع کارشناسی ارشد و ۳.۷ درصد در مقطع کاردانی تحصیل می‌کرده‌اند. با توجه به رشته تحصیلی، بیشترین دانشجویان مورد مطالعه در رشته‌های فنی و مهندسی (حدود ۴۱ درصد) و علوم انسانی (حدود ۱۶ درصد) شاغل به تحصیل بوده و کمترین آن‌ها در رشته‌های دامپزشکی (حدود ۳.۵ درصد) و کشاورزی (حدود ۶ درصد) تحصیل می‌کرده‌اند. بر اساس جدول، ۵۹ نفر از دانشجویان مورد مطالعه

(۲۱.۷ درصد) بیان کرده‌اند که غیر از اشتغال به تحصیل شغل دیگری ندارند، اما بیشترین آن‌ها به ترتیب، ۲۸.۷ و ۲۳.۲ درصد عناوین شغلی کارمندی و آزاد را برای خود بیان کرده‌اند و ۲۵.۷ درصد باقیمانده در سایر وضعیت‌های شغلی توزیع شده‌اند.

میانگین درآمد ماهیانه دانشجویان پاسخگو (مرد یا زن) حدود ۷۷۸ هزار تومان بوده است (نتایج شاخص‌های پراکندگی در جدول نشان داده نشده است). مطابق با جدول، حدود ۲۲ درصد از دانشجویان مورد مطالعه درآمد ماهیانه خود را صفر اعلام کرده‌اند. در آن سوی طیف، حدود ۵۶ درصد درآمد ماهیانه خود را بیش از ۶۵۰ هزار تومان بیان کرده‌اند و بقیه در مقوله‌های درآمدی بینابین توزیع شده‌اند. از این اطلاعات می‌توان دریافت که نمرات درآمد پراکندگی بسیار زیادی داشته است.

ب) نتایج تحلیل دو متغیره داده‌ها (آزمون فرضیات)

در این قسمت نتایج تحلیل دو متغیره داده‌ها، که در واقع بررسی روابط بین متغیرها در قالب فرضیات مطالعه است، ارائه می‌شود:

فرضیه اول: الگوی ازدواج دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی سنندج دیرنگام است.

بر اساس نتایج مطالعه، به ترتیب حدود ۵۳.۵ و ۳۷ درصد (روی هم رفته ۹۰.۵ درصد) از پاسخگویان، در دو گروه ازدواجی ۲۴-۲۰ و ۲۹-۲۵ ساله توزیع شده بودند. ضمن اینکه میانگین سن آن‌ها در ازدواج اول هم ۲۴.۵ سال بوده است. برای بررسی آماری این فرضیه از آزمون تی یک نمونه‌ای استفاده و مقدار آزمون ۲۴ سال در ازدواج اول در نظر گرفته شد. نتایج این آزمون حاکی از معناداری فرضیه در سطح ۵ درصد بود (عناصر آزمون در اینجا نشان داده نشده است). به عبارت دیگر، فرضیه اول تأیید شده و با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج دارای الگوی ازدواج دیررس (بالاتر از ۲۴ سال) بوده‌اند.

فرضیه دوم: دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی سنندج دارای ازدواج‌های همسان سنی، قومی (زبانی)، مذهبی و جغرافیایی بوده‌اند.

این فرضیه، در راستای پاسخ به چند سؤال طراحی شده است. در این مطالعه، در مورد سن، زبان مادری، مذهب و محل تولد افراد پاسخگو و همچنین همسرانشان سؤال شده و اطلاعات لازم برای بررسی همسان همسری سنی، قومی زبانی، مذهبی و جغرافیایی دانشجویان و همسران آن‌ها در اختیار بوده است. میانگین سن ازدواج اول دانشجویان مشارکت‌کننده در تحقیق ۲۴.۵ و میانگین سن ازدواج اول همسر دانشجویان مورد مطالعه ۲۳.۳ سال بوده است و تفاوت این دو میانگین در حدود ۱ سال می‌باشد و این دو سن تقریباً به سمت همدیگر متقارن می‌شوند. آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین سن

دانشجویان متأهل و همسر آنها در ازدواج اول به مقدار (۰.۰۷۸) و سطح معنی‌داری آن (۰.۱۹۹) بدست آمد که حاکی از عدم معنی‌داری رابطه و به عبارت دیگر، همسانی سنی زوجین در ازدواج اول می‌باشد. در بخش اول جدول ۲ رابطه بین زبان مادری دانشجویان پاسخگو و زبان مادری همسران آنها به صورت فراوانی توزیع شده است. بر اساس جدول، از ۲۶ پاسخگویی که زبان مادری آنها ترکی است، ۸ نفر از آنها زبان مادری همسر خود را ترکی، ۱۶ نفر فارسی و ۲ نفر کردی بیان کرده‌اند. یا از ۲۱۱ نفر پاسخگویی که زبان مادری خود را کردی بیان کرده‌اند، ۲ نفر زبان مادری همسر خود را فارسی و بقیه زبان کردی اعلام کرده‌اند. مقدار ضریب تقارن لاندا (۰.۳۸۴) این رابطه را در سطح یک درصد معنی‌دار نشان می‌دهد. به بیان دیگر، همسان همسری قومی یکی دیگر از ویژگی‌های دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج می‌باشد.

در بخش دوم جدول ۲ رابطه بین مذهب دانشجویان پاسخگو و مذهب همسران آنها به صورت فراوانی توزیع شده است. بر اساس جدول، از ۱۹۸ پاسخگویی که مذهب آنها تسنن است، ۱۹۶ نفرشان مذهب همسر خود را تسنن و ۲ نفر تشیع بیان کرده‌اند. یا از ۷۴ نفر پاسخگویی که مذهب خود را تشیع بیان کرده‌اند، ۳۷ نفر مذهب همسر خود را تسنن و بقیه تشیع اعلام کرده‌اند.

مقدار ضریب تقارن لاندا (۰.۳۱۰) این رابطه را در سطح یک درصد معنی‌دار نشان می‌دهد. به بیان دیگر، همسان همسری مذهبی به عنوان یکی دیگر از ویژگی‌های دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج به تأیید می‌رسد.

و در بخش سوم در جدول ۲ رابطه بین محل تولد دانشجویان پاسخگو و محل تولد همسران آنها به صورت فراوانی توزیع شده است. بر اساس جدول، از ۱۷۸ پاسخگویی که محل تولد آنها استان کردستان است، ۱۷۰ نفر از آنها محل تولد همسر خود را استان کردستان، ۵ نفر استان کرمانشاه، ۱ نفر آذربایجان غربی و ۲ نفر سایر استان‌ها بیان کرده‌اند. مقدار ضریب تقارن لاندا (۰.۵۸۴) این رابطه را نیز در سطح یک درصد معنی‌دار نشان می‌دهد.

به بیان دیگر، همسان همسری جغرافیایی یکی دیگر از ویژگی‌های دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج می‌باشد. از مجموع اطلاعات فوق می‌توان نتیجه گرفت که دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی سنندج از الگوی همسان همسری سنی، قومی، مذهبی و مکانی برخوردار بوده‌اند.

جدول ۲. رابطه تقاطعی بین زبان مادری، مذهب، و محل تولد پاسخگویان و همسران آنها

جمع	زبان مادری همسر پاسخگویان*				
	سایر	کُردی	فارسی	تُرکی	
۲۶	۰	۲	۱۶	۸	
۳۴	۱	۲۳	۸	۲	
۲۱۱	۰	۲۰۹	۲	۰	
۱	۱	۰	۰	۰	
۲۷۲	۲	۲۳۴	۲۶	۱۰	
جمع	مذهب همسر پاسخگویان**			مذهب پاسخگویان**	
	تشیع	تسنُن			
۱۹۸	۲	۱۹۶		تسنُن	
۷۴	۳۷	۳۷		تشیع	
۲۷۲	۳۹	۲۳۳		جمع	
جمع	محل تولد همسر پاسخگویان***				
	سایر	ایلام	آذربایجان غربی	کرمانشاه	کردستان
۱۷۸	۲	۰	۱	۵	۱۷۰
۳۸	۰	۷	۰	۲۲	۹
۲۰	۰	۰	۰	۰	۲۰
۱	۰	۱	۰	۰	۰
۳۵	۳۱	۰	۰	۳	۱
۲۷۲	۳۳	۸	۱	۳۰	۲۰۰

* ضریب تقارن لاندا: ۰.۳۸۴ سطح معنی داری: ۰.۰۰۰

** ضریب تقارن لاندا: ۰.۳۱۰ سطح معنی داری: ۰.۰۰۰

*** ضریب تقارن لاندا: ۰.۵۸۴ سطح معنی داری: ۰.۰۰۰

فرضیه سوم: دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی سنجندج دارای زمینه‌های آشنایی و روابط قبل از ازدواج بوده‌اند.

سطح زمینه‌های آشنایی و روابط قبل از ازدواج دانشجویان متأهل در قالب یک سؤال و در مقیاس ترتیبی سنجیده شد. بر اساس نتایج، ۱۸ درصد از دانشجویان مورد مطالعه اظهار کرده بودند که قبل از ازدواج اول هیچ‌گونه میزان آشنایی و یا رابطه‌ای نداشته‌اند. در آن سوی طیف، حدود ۶۴ درصد از پاسخگویان سطح آشنایی و روابط قبل از ازدواج خود را زیاد و خیلی زیاد توصیف کرده و حدود ۱۷ درصد نیز در دامنه بسیار کم تا بینابین قرار گرفته بودند. برای بررسی آماری این فرضیه از آزمون توزیع

نرمال یک نمونه‌ای کولموگروف- اسمیرنف^۱ استفاده شد و نتایج آزمون حاکی از معنی‌داری فرضیه در سطح یک درصد بود (عناصر آزمون در اینجا نشان داده نشده است). به طور خلاصه، فرضیه سوم با اطمینان بیش از ۹۹ درصد به تأیید رسیده و می‌توان گفت که دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی سندج دارای زمینه‌های آشنایی و روابط قبل از ازدواج بوده‌اند.

فرضیه چهارم: الگوی ازدواج دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی سندج آزادانه و مبتنی بر انتخاب شخصی است.

در این مطالعه یکی از سؤالات مطرح شده از پاسخگویان این بود که نحوه انتخاب همسرشان در ازدواج اول را بیان کنند. پاسخ‌ها نیز در مقیاس اسمی سنجیده شد. بر اساس نتایج، ۵۱ درصد از پاسخگویان نحوه انتخاب همسر خود در ازدواج اول را انتخاب شخصی، ۲۵ درصد توصیه خویشاوندان و دوستان خانوادگی، حدود ۲۲ درصد توصیه پدر و مادر و فقط حدود ۲ درصد اجباری بیان کرده بودند.

برای بررسی آماری این فرضیه نیز از آزمون توزیع نرمال یک نمونه‌ای کولموگروف- اسمیرنف استفاده شد و نتایج آن در سطح یک درصد معنی‌دار بود. به عبارت دیگر، فرضیه چهارم با اطمینان بیش از ۹۹ درصد به تأیید رسیده و می‌توان گفت که دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی سندج دارای ازدواجی آزاد بوده و بیشتر همسران خود را با انتخاب شخصی برگزیده‌اند.

فرضیه پنجم: الگوی ازدواج دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی سندج غیرخویشاوندی است.

یکی دیگر از سؤالات مطرح شده در میان پاسخگویان راجع به نسبت آن‌ها با همسرشان در ازدواج اول بوده است و پاسخ‌ها نیز در مقیاس اسمی سنجیده شد. انتظار این بود که ازدواج دیرهنگام، روابط قبل از ازدواج و انتخاب آزادانه همسر باعث کاهش در ازدواج‌های فامیلی (که یک الگوی ازدواج سنتی است) در بین دانشجویان گردد. به همین خاطر، همگام با الگوهای مدرن ازدواج، فرض بر این بوده است که الگوی ازدواج دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی سندج غیرخویشاوندی است. بر طبق نتایج، حدود ۶۸ درصد از پاسخگویان بیان کرده بودند که در اولین ازدواج با همسر خود دارای نسبت خویشاوندی (نزدیک و دور) و ۳۰ درصد غیرخویشاوند بوده‌اند. حدود ۲ درصد هم به این سؤال پاسخ نداده بودند. برای بررسی آماری این فرضیه نیز از آزمون توزیع نرمال یک نمونه‌ای کولموگروف- اسمیرنف استفاده شد. نتیجه این آزمون معنی‌دار نبود. به عبارت دیگر، فرضیه پنجم رد شده و می‌توان گفت که دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی سندج برخلاف دیگر الگوهای مدرن ازدواج، از الگوی سنتی ازدواج خویشاوندی قابل توجهی برخوردار بوده‌اند که این امر جای تأمل بیشتری دارد.

فرضیه ششم: دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی سنندج در هنگام ازدواج به صورت مستقل سکنی می‌گزینند. از دیگر موارد مورد بررسی در بین دانشجویان متأهل، الگوی سکونت زوجین به منظور شناخت هم‌سکنایی آن‌ها با خانواده یکی از همسران یا مستقل بودن آن‌ها در هنگام ازدواج بوده است. پاسخ‌ها نیز در مقیاس اسمی سنجیده شد. در این زمینه هم همگام با الگوهای مدرن ازدواج، فرض بر این بوده است که دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی سنندج در هنگام ازدواج به صورت مستقل از والدین برای خود زندگی جدیدی دست و پا می‌کنند. بر طبق نتایج، حدود ۵۲، ۴۴،۵ و حدود ۳،۵ درصد از پاسخگویان بیان کرده بودند که در اولین ازدواج به صورت مستقل، با خانواده مرد و یا با خانواده زن سکنی گزیده‌اند. برای بررسی آماری این فرضیه نیز از آزمون توزیع نرمال یک نمونه‌ای کولموگروف-اسمیرنف استفاده شد. نتیجه آزمون در سطح یک درصد معنی‌دار بود. به عبارت دیگر، فرضیه ششم پذیرفته شده و با اطمینان بیش از ۹۹ درصد می‌توان گفت که دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی سنندج در هنگام ازدواج بیشتر به صورت مستقل سکنی می‌گزینند. به منظور بررسی تغییرات این الگو، در سؤال دیگری از پاسخگویان خواسته شد که در حال حاضر نیز وضعیت سکونت خود را مشخص کنند. در پاسخ به این سؤال حدود ۸۵ درصد از دانشجویان مورد بررسی عنوان کردند که در حال حاضر به صورت مستقل زندگی می‌کنند و تنها حدود ۹ درصد زندگی با خانواده مرد یا زن را الگوی سکونت خود عنوان کرده بودند. این یافته با تغییرات پیش آمده در خانواده ایرانی در سالیان اخیر مطابقت دارد.

فرضیه هفتم: میزان و سطح رضایت زناشویی دانشجویان همسر دار دانشگاه آزاد اسلامی سنندج برحسب متغیرهای جمعیت‌شناختی متفاوت است. قبل از آزمون فرضیه، ابتدا تصویری از میزان یا سطح رضایت زناشویی دانشجویان مورد مطالعه بدست می‌دهیم. با استفاده از گویه‌های رضایت زناشویی، متغیر وابسته نهایی (شاخص رضایت زناشویی) هم در مقیاس فاصله‌ای و هم در مقیاس ترتیبی تشکیل شد. در جدول ۳ سطح رضایت زناشویی پاسخگویان به صورت فراوانی و نسبی و همچنین شاخص‌های مرکزی و پراکندگی این متغیر نشان داده شده است. بر اساس جدول ۳، سطح رضایت زناشویی حدود ۲۷ درصد از دانشجویان مورد مطالعه پایین، ۳۷ درصد متوسط و ۳۶ درصد بالا بوده است. به عبارت دیگر، سطح رضایت زناشویی ۶۴ درصد از پاسخگویان متوسط به پایین و سطح رضایت زناشویی ۳۶ درصد از آن‌ها زیاد بوده است. در ادامه جدول مشاهده می‌شود که میانگین میزان رضایت زناشویی دانشجویان مورد مطالعه ۵۱،۱ و میانه و نمای این متغیر به ترتیب ۵۳ و ۳۶ بوده است. این اطلاعات گویای چوله بودن میزان رضایت زناشویی پاسخگویان به طرف چپ (منفی) است. به عبارت دیگر، بیشتر نمره‌های رضایت زناشویی پاسخگویان در سمت چپ توزیع شده‌اند. واریانس و انحراف استاندارد رضایت زناشویی هم نشان از پراکندگی بالای این متغیر دارد.

جدول ۳. توزیع فراوانی و درصدی دانشجویان مورد مطالعه برحسب سطح رضایت زناشویی، و شاخص‌های

مرکزی و پراکندگی میزان رضایت زناشویی

سطح رضایت زناشویی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کم	۷۳	۲۶.۸	۲۶.۸
متوسط	۱۰۱	۳۷.۱	۶۴.۰
زیاد	۹۸	۳۶.۰	۱۰۰.۰
جمع	۲۷۲	۱۰۰.۰	
شاخص‌های مرکزی و پراکندگی میزان رضایت زناشویی			
میانگین		۵۱.۱	
میانه		۵۳.۰	
نما		۳۶.۰	
واریانس		۱۲۷.۸	
انحراف استاندارد		۱۱.۳	
چولگی		-۰.۳۸۵	
دامنه تغییرات		۴۱.۰	

در جدول ۴ نتایج مربوط به تفاوت یا عدم تفاوت میزان و سطح رضایت زناشویی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی سنندج برحسب متغیرهای جمعیت‌شناختی آمده است. بر اساس نتایج آزمون خی دو سطح رضایت زناشویی دانشجویان همسر دار دانشگاه آزاد اسلامی سنندج بر حسب ویژگی‌های دموگرافیک جنسیت، محل سکونت، شغل، زبان مادری و مذهب آن‌ها متفاوت بوده و این تفاوت‌ها در سطح یک درصد معنی‌دار است. به عبارت دیگر، سطح رضایت زناشویی در بین زنان، افراد ساکن روستا، کارمندان و دارندگان مشاغل آزاد، کسانی که با زبان کُردی تکلم می‌کنند و دارندگان مذهب تسنن بیشتر از سطح رضایت زناشویی در بین مردان، افراد ساکن شهر، سایر مشاغل، کسانی که با زبان فارسی یا ترکی تکلم می‌کنند و دارندگان مذهب تشیع می‌باشد.

جدول ۴. سطح رضایت زناشویی دانشجویان مورد مطالعه برحسب ویژگی‌های دموگرافیک و آزمون معنی‌داری روابط متغیرها

متغیرها	مقدار خی دو	درجه آزادی	ضریب کرامر	سطح معنی‌داری
جنسیت	۲۶.۹۰۴	۲	۰.۳۱۵	۰.۰۰۰
مذهب	۱۸.۹۱۲	۲	۰.۲۶۴	۰.۰۰۰
محل سکونت	۱۵.۰۱۱	۴	۰.۱۶۶	۰.۰۰۵
زبان مادری	۴۰.۲۴۵	۶	۰.۲۷۲	۰.۰۰۰
شغل	۱۹۴.۳۷۹	۱۰	۰.۵۹۸	۰.۰۰۰

متغیرهای مدت زمان زندگی مشترک با همسر، تعداد فرزندان، سن و درآمد ماهیانه دانشجویان پاسخگو در اصل در مقیاس فاصله‌ای سنجیده شده و با متغیر تشکیل شده میزان رضایت زناشویی در ارتباط گذاشته شده و همبستگی پیرسون برای آن‌ها محاسبه گردید. متغیر سطح تحصیلات نیز که در مقیاس ترتیبی سنجیده شده بود با متغیر مقوله‌بندی شده سطح رضایت زناشویی در ارتباط گذاشته شده و برای بررسی ارتباط آن دو متغیر همبستگی اسپیرمن محاسبه گردید. این روابط در جدول ۵ به صورت خلاصه ارائه شده است.

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، تنها رابطه بین درآمد ماهیانه دانشجویان پاسخگو و سطح تحصیلات آن‌ها با میزان و سطح رضایت زناشویی‌شان معنی‌دار بوده و با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت که بین درآمد ماهیانه و میزان رضایت زناشویی دانشجویان رابطه مستقیم (البته با شدت نسبتاً متوسط) وجود داشته است. از طرف دیگر، با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت که بین سطح تحصیلات و سطح رضایت زناشویی دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی سنندج رابطه معکوس (البته با شدت نسبتاً متوسط) وجود داشته است.

جدول ۵. رابطه بین برخی دیگر از متغیرهای دموگرافیک و میزان رضایت زناشویی

متغیرها	ضریب همبستگی	مقدار ضریب همبستگی
مدت زمان زندگی مشترک	پیرسون	۰.۰۱۱ ⁿ
تعداد فرزندان	پیرسون	۰.۰۸۰ ⁿ
سن	پیرسون	-۰.۰۳۵ ⁿ
درآمد ماهیانه	پیرسون	۰.۲۳۵*
میزان تحصیلات	اسپیرمن	-۰.۲۴۰*

* معنی‌دار در سطح یک درصدⁿ غیر معنی‌دار

به طور خلاصه، با توجه به نتایج جداول ۴ و ۵ می‌توان استنباط کرد که قسمت اعظم فرضیه هشتم به تأیید می‌رسد، بدین معنا که متغیرهای دموگرافیک می‌توانند متغیرها و پیش‌بین‌های مهمی برای رضایت زناشویی دانشجویان باشند.

فرضیه هشتم: سطح رضایت زناشویی دانشجویان همسر دار دانشگاه آزاد اسلامی سنندج بسته به الگوهای مختلف ازدواج متفاوت است.

در جدول ۶ سطح رضایت زناشویی دانشجویان بر حسب الگوهای ازدواج به صورت تقاطعی ارائه شده و فرض تفاوت در سطح رضایت زناشویی برحسب این الگوها با استفاده از آزمون خی دو بررسی شده است.

با مشاهده رابطه تقاطعی الگوهای مختلف ازدواج و سطح رضایت زناشویی در می‌یابیم که دانشجویانی که الگوی ازدواج زودهنگام (ازدواج در سن ۲۳ سالگی و پایین‌تر)، و الگوی همسان‌همسری زبانی، مذهبی و مکانی را تجربه کرده‌اند به نسبت دانشجویانی که دارای الگوی ازدواج دیرهنگام (ازدواج در سن ۲۴ سالگی و بالاتر)، و الگوی ناهمسان همسری زبانی، مذهبی و مکانی بوده‌اند، سطح رضایت زناشویی بالاتری داشته‌اند. در این قسمت از جدول تنها متغیری که با سطح رضایت زناشویی دارای رابطه معنی‌دار نبوده و در واقع در متغیر وابسته تفاوت ایجاد نکرده است، الگوی همسانی-ناهمسانی سنی زوجین می‌باشد. اما مقادیر مختلف آزمون خی دو با درجه آزادی ۲ حاکی از این است که سطح رضایت زناشویی دانشجویان همسر دار دانشگاه آزاد سنندج برحسب سایر الگوهای ازدواج (غیر از مورد یاد شده) متفاوت و در سطح یک درصد معنی‌دار است.

جدول ۶. سطح رضایت زناشویی دانشجویان برحسب الگوهای ازدواج و آزمون معنی‌داری این روابط

متغیرها	مقدار خی دو	درجه آزادی	ضریب کرامر	سطح معنی‌داری
الگوی سنی	۳۰.۸۲۰	۲	۰.۳۳۷	۰.۰۰۰
سن زوجین	۴.۹۸۱	۲	۰.۱۳۵	۰.۰۸۳
زبان زوجین	۵۴.۹۴۵	۲	۰.۴۴۹	۰.۰۰۰
مذهب زوجین	۷۷.۵۵۱	۲	۰.۵۳۴	۰.۰۰۰
محل تولد زوجین	۹.۵۸۳	۲	۰.۱۸۸	۰.۰۰۸
روابط قبلی در ازدواج	۴۵.۴۴۶	۴	۰.۲۸۹	۰.۰۰۰
نحوه انتخاب همسر	۶۶.۰۹۰	۲	۰.۴۹۳	۰.۰۰۰
نسبت با همسر	۴۳.۴۱۹	۴	۰.۲۸۳	۰.۰۰۰
الگوی سکونت در هنگام ازدواج	۱۱۰.۷۱۳	۲	۰.۶۳۸	۰.۰۰۰
الگوی سکونت در حال حاضر	۲۲.۱۰۱	۴	۰.۲۰۲	۰.۰۰۰

نتایج حاکی از این است که سطح رضایت زناشویی پاسخگویان بر حسب الگوهای مختلف ازدواج متفاوت و این تفاوت‌ها در سطح یک درصد معنی‌دار است. به عبارت دیگر، با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت دانشجویانی که قبل از ازدواج اول دارای آشنایی و روابط قبلی بوده‌اند، با انتخاب شخصی همسر خود را انتخاب کرده‌اند، با همسر خود دارای نسبت خویشاوندی نبوده و در هنگام ازدواج و در حال حاضر به صورت مستقل از والدین سکنی گزیده‌اند در مقایسه با دانشجویانی که قبل از ازدواج دارای آشنایی و روابط قبلی نبوده‌اند، با انتخاب غیر شخصی همسر خود را انتخاب کرده‌اند، با همسر خود دارای نسبت خویشاوندی بوده و در هنگام ازدواج و در حال حاضر با والدین سکنی گزیده‌اند، سطح رضایت زناشویی بالاتری داشته‌اند.

ج) نتایج تحلیل چند متغیره داده‌ها

فرضیه نهم: میزان رضایت زناشویی دانشجویان همسر دار دانشگاه آزاد اسلامی سنندج تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل الگوهای ازدواج، عوامل جمعیت‌شناختی، همسان‌همسری، و جریان مبادله در زندگی می‌باشد.

در پایان، برای اینکه شمایی کلی از عوامل تبیین‌کننده و مؤثر بر رضایت زناشویی دانشجویان همسر دار دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج داشته باشیم، به تحلیل رگرسیون چند متغیره^۱ داده‌ها مبادرت کردیم. اگرچه ساختار این تکنیک عمدتاً بر اساس داده‌های کمی می‌باشد، اما استفاده از داده‌های کیفی در متغیرهای مستقل شامل متغیرهای مستقل اسمی یا ترتیبی نیز امکان‌پذیر است و آن در صورتی ممکن است که داده‌های اسمی به صورت متغیرهای مجازی^۲ که صرفاً حالت دوجویی داشته باشند تبدیل شوند. به طور کلی، اگر یک متغیر دارای n وجه باشد آن متغیر قابل تبدیل به $n-1$ متغیر خواهد بود که هر یک از متغیرها می‌تواند دو حالت (صفر و یک یا بله و خیر) داشته باشند. لازم به ذکر است که این کدها فاقد ارزش عددی بوده و صرفاً برای تعیین عضو بودن یا نبودن در طبقات مورد استفاده قرار می‌گیرند (کلاتری، ۱۳۸۲: ۱۶۹).

در این مطالعه چهار نوع متغیر مستقل مربوط به دانشجویان پاسخگو و همسران آنها برای تحلیل مد نظر قرار گرفت. دسته اول، متغیرهای مربوط به الگوهای ازدواج اول شامل زمان (زودهنگام- دیرهنگام)، میزان آشنایی قبلی، نحوه انتخاب همسر (شخصی- غیر شخصی)، نسبت با همسر (خویشاوند- غیر خویشاوند)، نحوه سکونت در هنگام ازدواج و در حال حاضر (مستقل از والدین- هم‌سکنا با والدین) بود. دسته دوم، متغیرهای مربوط به همسان‌همسری شامل همسانی سنی (همسان- ناهمسان)، زبانی (هم- زبان- ناهم‌زبان)، مذهبی (هم‌مذهب- ناهم‌مذهب)، و مکانی زوجین (هم‌استان- ناهم‌استان) بود. دسته سوم، متغیر مستقل میزان پاداش و مبادله در زندگی زناشویی بوده است که از ترکیب^۳ هفت گویه نگرش‌سنج به مقیاس فاصله‌ای درآمد و برای تحلیل آماده شده است.

و دسته چهارم، متغیرهای جمعیتی پاسخگویان و همسران آنها و همچنین چند متغیر ایجاد شده حاکی از عوامل نوسازی^۴ بوده است. متغیرهای جمعیتی عبارت بودند از: سن و درآمد ماهیانه پاسخگویان و همسر آنها، تعداد سال‌های زندگی مشترک و تعداد فرزند آنها، محل سکونت (روستا- شهر)، تحصیلات، و شغل پاسخگویان و همسر آنها. متغیرهای نشان‌دهنده تأثیرات نوسازی نیز شامل میزان

1. Multi-variate Regression Analysis
2. Dummy Variable
3. Compute
4. Modernization

برخورداری پاسخگو و همسر او از شغل، تحصیلات بالا (فوق لیسانس به بالا)، و رسانه‌های جمعی بوده است. لازم به ذکر است که بسیاری از متغیرهای یاد شده در اصل در مقیاس اسمی و ترتیبی سنجیده شده بودند و برای ورود به تحلیل چند متغیره رگرسیون، با استفاده از دستورات خاص نرم‌افزار SPSS گدگذاری مجدد شده و با دادن مقادیر تصنعی (کدهای صفر و یک) به مقیاس فاصله‌ای تبدیل و برای تحلیل آماده شدند. متغیر وابسته تحقیق (میزان رضایت زناشویی) نیز، حاصل ترکیب پاسخ به ۱۴ سؤال در مقیاس ترتیبی سازگاری زناشویی برجس بوده است که به مقیاس فاصله‌ای تبدیل و برای تحلیل آماده شد.^۱ البته، پرسشنامه سازگاری زناشویی برجس در اصل دارای ۱۶ سؤال بوده است اما دو سؤال آن به خاطر داشتن داده‌های مفقوده زیاد، برای تحلیل در نظر گرفته نشد. پس از آماده شدن داده‌ها، متغیرهای مستقل و متغیر وابسته (میزان رضایت زناشویی) با استفاده از رگرسیون چند متغیری و به روش گام‌به‌گام^۲ (روشی که در آن قوی‌ترین متغیرها یک به یک وارد معادله می‌شوند و این کار تا زمانی ادامه می‌یابد که خطای آزمون معناداری به ۵ درصد برسد (کلانتری، ۱۳۸۷: ۱۸۴)) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

جدول ۷، مدل‌ها، ضرایب رگرسیونی و سایر اطلاعات برآمده از محاسبه رگرسیون چند متغیری را نشان می‌دهد. بر اساس جدول، نتایج زیر استنباط می‌شود:

اول اینکه، با توجه به ضرایب F از مجموع ۲۸ متغیر مستقل وارد شده در معادله، θ متغیر رابطه معنی‌داری ($Sig.=0.001$) با متغیر وابسته داشته‌اند. به عبارت دیگر، تحلیل تا θ گام پیش رفته است و حاکی از آن است که در رضایت زناشویی دانشجویان همسر دار ترکیبی از عوامل الگوهای ازدواج و عوامل جمعیتی و نوسازی تأثیر بسزایی دارند که در این میان نقش عوامل الگوهای ازدواج بسیار برجسته است، زیرا با وجودی که سایر متغیرها در گام‌های بعدی وارد تحلیل شده‌اند (با کنترل سایر عوامل)، در مرحله آخر هنوز با رضایت زناشویی دارای ارتباط معنی‌داری بوده‌اند.

دوم اینکه، ضریب همبستگی چندگانه ($R=0.814$) نشان از همبستگی نسبتاً بالا بین متغیرهای موجود در معادله نهایی رگرسیون می‌باشد.

۱. شرط اصلی استفاده از تحلیل رگرسیون چند متغیره، کمی بودن متغیر وابسته است. لذا، حتی اگر متغیرهای مستقل در مقیاس مقوله‌ای یا ترتیبی باشند متغیر وابسته باید حتماً در مقیاس فاصله‌ای سنجیده شده باشد یا با استفاده از کدهای تصنعی از نو ایجاد شود (هومن، ۱۳۸۰: ۱۴۹، کلانتری، ۱۳۸۷: ۱۹۱).

2. Stepwise Method

سوم اینکه، ضریب تعیین تعدیل شده ($Adjusted R Square = 0.648$) نشان می‌دهد که حدود ۶۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط θ متغیر ذکر شده در مدل θ م تبیین می‌شود و ۳۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته تبیین نشده باقی مانده است و متغیرهای فوق نتوانسته‌اند آن را تبیین کنند.

چهارم اینکه، قضاوت در مورد سهم و نقش هر یک از متغیرهای θ گانه در تبیین متغیر وابسته را باید به مقادیر بتا واگذار کرد، زیرا این مقادیر استاندارد شده بوده و امکان مقایسه و تعیین سهم نسبی هر یک از متغیرها را فراهم می‌آورد. با توجه به بتاهای بدست آمده، متغیر الگوی سکونت در هنگام ازدواج (مستقل از والدین یا هم‌سکنا با والدین) قوی‌ترین رابطه را با رضایت زناشویی دانشجویان داشته و همان‌گونه که در مدل اول مشخص است، به تنهایی بیش از ۴۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کرده است و بعد از آن دیگر متغیرها قرار گرفته‌اند. به بیان بهتر، بر اساس مقدار B در مدل θ م، ضریب واحد متغیر همسان همسری مذهبی (۶.۶۱۳) به مراتب بیشتر از ضرایب متغیرهایی مانند میزان برخورداری همسر پاسخگو از شغل (-۴.۷۲۶) و یا درآمد ماهیانه پاسخگو (۳.۲۴۲) بوده اما سهم آن در تبیین متغیر وابسته به اندازه (۰.۱۸۴) می‌باشد. حال آنکه سهم دو متغیر یاد شده با ضرایب کمتر از متغیر همسان همسری مذهبی بیشتر (به ترتیب ۰.۲۱۲ و ۰.۲۰۰ واحد) بوده است.

یا متغیر درآمد ماهیانه همسر پاسخگو با ضریبی به مراتب کمتر از متغیر الگوی سکونت در هنگام ازدواج (۷.۸۰۸ در برابر ۱۱.۳۳۱)، سهم چشمگیری در تبیین متغیر وابسته داشته است، زیرا بر اساس بتای بدست آمده، به ازاء یک واحد تغییر در انحراف معیار درآمد ماهیانه همسر پاسخگو به اندازه‌ی ۰.۳۵۶ واحد در انحراف معیار متغیر وابسته تغییر ایجاد شده است.

جدول ۷. عناصر عمده تحلیل رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام برای پیش‌بینی متغیر وابسته

عناصر رگرسیون و متغیرها	مدل ۱		مدل ۲		مدل ۳		مدل ۴		مدل ۵	
	B		B		B		B		B	
مقدار ثابت	۴۳.۸۴۳	-	۴۸.۲۵۶	-	۵۳.۹۸۷	-	۴۷.۵۸۲	-	۴۳.۵۶۰	-
الگوی سکونت در هنگام ازدواج	۱۴.۷۳۵	۰.۶۴۴	۱۳.۳۹۵	۰.۵۸۶	۱۲.۷۱۸	۰.۵۵۶	۱۱.۹۲۷	۰.۵۲۱	۱۲.۹۱۸	۰.۵۶۵
نحوه انتخاب همسر			-۶.۷۸۲	-۰.۳۰۳	-۷.۷۳۳	-۰.۳۴۵	-۶.۵۹۹	-۰.۲۹۵	-۶.۵۳۸	-۰.۲۹۲
زمان ازدواج					-۵.۹۷۶	-۰.۲۱۲	-۴.۹۹۳	-۰.۱۷۷	-۴.۵۹۰	-۰.۱۶۳
همسان همسری مذهبی							۶.۱۶۲	۰.۱۷۲	۶.۵۸۰	۰.۱۸۴
میزان آشنایی قبلی در ازدواج									۳.۶۶۴	۰.۱۴۵

ضریب همبستگی چندگانه	۰.۶۶۴	۰.۷۱۰	۰.۷۳۹	۰.۷۵۵	۰.۷۶۷
ضریب تعیین	۰.۴۱۵	۰.۵۰۳	۰.۵۴۶	۰.۵۷۰	۰.۵۸۹
ضریب تعیین تعدیل شده	۰.۴۱۲	۰.۴۹۹	۰.۵۳۹	۰.۵۶۲	۰.۵۷۹
مقدار F	۱۴۸.۳۲۰	۱۰۵.۴۴۰	۸۲.۹۹۴	۶۸.۳۵۱	۵۸.۷۶۲
سطح معنی‌داری	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰

- ادامه جدول ۷

عناصر رگرسیون و متغیرها	مدل ۶		مدل ۷		مدل ۸		مدل ۹	
	B		B		B		B	
مقدار ثابت	۴۱.۶۲۵	-	۴۰.۶۰۴	-	۳۹.۵۹۳	-	۳۹.۹۳۶	-
الگوی سکونت در هنگام ازدواج	۱۳.۶۸۷	۰.۵۹۸	۱۲.۵۲۸	۰.۵۴۸	۱۲.۲۱۳	۰.۵۳۴	۱۱.۳۳۱	۰.۴۹۵
نحوه انتخاب همسر	-۶.۲۰۵	-۰.۲۷۷	-۴.۱۳۵	-۰.۱۸۵	-۴.۵۲۹	-۰.۲۰۲	-۴.۰۸۶	-۰.۱۸۳
زمان ازدواج	-۴.۴۴۸	-۰.۱۵۸	-۳.۹۷۸	-۰.۱۴۱	-۴.۵۷۵	-۰.۱۶۲	-۳.۸۰۳	-۰.۱۳۵
همسان همسری مذهبی	۶.۰۴۳	۰.۱۶۹	۷.۶۱۵	۰.۲۱۲	۶.۵۰۴	۰.۱۸۱	۶.۶۱۳	۰.۱۸۴
میزان آشنایی قبلی در ازدواج	۴.۴۴۴	۰.۱۷۶	۵.۰۲۹	۰.۱۹۹	۴.۶۳۴	۰.۱۸۳	۴.۱۸۳	۰.۱۶۵
درآمد ماهیانه همسر پاسخگو	۲.۸۲۱	۰.۱۲۹	۸.۲۵۰	۰.۳۷۶	۸.۵۰۹	۰.۳۸۸	۷.۸۰۸	۰.۳۵۶
میزان برخورداری همسر پاسخگو از شغل			-۷.۲۹۸	-۰.۳۲۷	-۵.۴۶۵	-۰.۲۴۵	-۴.۷۲۶	-۰.۲۱۲
درآمد ماهیانه پاسخگو					۲.۴۸۴	۰.۱۵۳	۳.۲۴۲	۰.۲۰۰
میزان برخورداری پاسخگو از تحصیلات بالا							-۲.۷۸۸	-۰.۱۲۳
ضریب همبستگی چندگانه	۰.۷۷۷		۰.۷۹۹		۰.۸۰۸		۰.۸۱۴	
ضریب تعیین	۰.۶۰۴		۰.۶۳۹		۰.۶۵۲		۰.۶۶۳	
ضریب تعیین تعدیل شده	۰.۵۹۲		۰.۶۲۶		۰.۶۳۹		۰.۶۴۸	
مقدار F	۵۱.۸۲۸		۵۱.۲۲۵		۴۷.۴۰۳		۴۳.۹۱۵	
سطح معنی‌داری	۰.۰۰۰		۰.۰۰۰		۰.۰۰۰		۰.۰۰۰	

در نهایت، با توجه به مقادیر بتای مدل نهم در جدول می‌توان گفت که چهار متغیر الگوی سکونت در هنگام ازدواج، درآمد ماهیانه همسر پاسخگو، میزان برخورداری همسر پاسخگو از شغل و درآمد ماهیانه پاسخگو بیشترین نقش را در تبیین تغییرات متغیر وابسته بر عهده گرفته‌اند و بعد از آن‌ها، به ترتیب متغیرهای همسان همسری مذهبی، نحوه انتخاب همسر در ازدواج اول، میزان آشنایی قبلی در ازدواج اول، زمان ازدواج و میزان برخورداری فرد از تحصیلات بالا بر روی متغیر وابسته تأثیرگذار بوده‌اند.

۱۰- بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این مطالعه نشان داد که دانشجویان همسر دار دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج از الگوی ازدواجی دیر هنگام برخوردار بوده‌اند و نظرشان راجع به این الگو برای نسل‌های بعدی نیز مطلوب بوده و آن را می‌پذیرند، دارای آشنایی و روابط قبل از ازدواج به منظور شناخت بیشتر همدیگر بوده‌اند و آزادی در انتخاب همسر و سکونت به صورت مستقل از والدین از ویژگی‌های برجسته ازدواج آن‌ها بوده است. اما این دانشجویان، برخلاف دیگر الگوهای مدرن، از ازدواج خویشاوندی قابل توجهی برخوردار بوده‌اند، به طوری که حدود ۶۸ درصد از ازدواج آنان از نوع خویشاوندی (دور یا نزدیک) بوده است هر چند که تغییر اساسی در این بعد نگرشی به وجود آمده و در حال حاضر، درصد بالایی از آنان (چه آن‌هایی که تجربه ازدواج خویشاوندی داشته و چه آن‌هایی که این تجربه را نداشته‌اند)، ازدواج با غیرخویشاوندان را ترجیح می‌دهند که مطابق با الگوهای امروزی است. البته، هنوز تعداد قابل توجهی از دانشجویان این الگوی ازدواج را مطلوب دانسته و همراهی این یافته با یافته مطلوبیت همسان‌مسنری قومی و مذهبی از دید آنان، ما را به این استنباط می‌رساند که قومیت و مذهب به عنوان نیروهای فرهنگی، نقش مؤثری در الگوهای تشکیل خانواده ایرانی دارند که همسو با مطالعات قبلی (عباسی شوازی و دیگران، ۲۰۰۸؛ عباسی شوازی و خانی، ۱۳۸۸؛ عباسی شوازی و ترابی، ۱۳۸۵؛ عباسی شوازی و صادقی، ۱۳۸۴) است. به یک معنا، اگرچه ممکن است که نقش عوامل نیروهای فرهنگی در نتیجه تغییرات ساختاری و نوسازی در جامعه تضعیف گردد اما همچنان نقش معنا دار خود را حفظ می‌کنند (عباسی شوازی و خانی، ۱۳۸۸؛ حسینی، ۱۳۸۹) که "آمیزه‌ای از تغییر و تداوم در خانواده ایرانی" (عباسی شوازی و دیگران، ۲۰۰۹) را تداعی می‌کند. از طرف دیگر، دانشجویان همسر دار دانشگاه آزاد اسلامی سنندج دارای ازدواج‌های همسان‌گزین از نوع همسان همسنری سنی، قومی، مذهبی و مکانی بوده‌اند.

از دیگر یافته‌های مطالعه این بود که سطح رضایت زناشویی دانشجویان بر حسب الگوهای ازدواج متفاوت و معنی‌دار است. به عبارت دیگر، دانشجویانی که الگوی ازدواج زودهنگام، و الگوی همسان-همسنری زبانی، مذهبی و مکانی را تجربه کرده‌اند، یا قبل از ازدواج اول دارای آشنایی و روابط قبلی بوده‌اند، یا به صورت شخصی همسر خود را انتخاب کرده‌اند، یا دارای ازدواج خویشاوندی نبوده و در هنگام ازدواج و در حال حاضر به صورت مستقل سکنی گزیده‌اند، سطح رضایت زناشویی بالاتری داشته‌اند. این یافته‌ها، تأییدی بر نقش مهم الگوهای ازدواج در سطح رضایت زناشویی دانشجویان بوده و با برخی از نتایج مطالعات بهاری (۱۳۸۶)، صیادپور (۱۳۸۲)، موسوی و دیگران (۱۳۸۴)، هورول (۲۰۰۱)، الماسی و دیگران (۱۳۸۹)، هالفورد (۱۳۸۴)، و صداقت (۱۳۸۲) همسویی داشته و با برخی از نتایج آن‌ها ناهمسو بوده است.

یافته‌های دیگر مطالعه حاکی از آن بود که سطح رضایت زناشویی دانشجویان بر حسب ویژگی‌های دموگرافیک جنسیت، محل سکونت، شغل، زبان مادری و مذهب آن‌ها متفاوت و معنی‌دار بوده است. به عبارت دیگر، سطح رضایت زناشویی در بین زنان، افراد ساکن روستا، کارمندان و دارندگان مشاغل آزاد، کسانی که با زبان کُردی تکلم می‌کنند و دارندگان مذهب تسنن بیشتر بوده است که با برخی از نتایج مطالعات صیادپور (۱۳۸۲)، ساینکتون (۱۳۸۲)، مظلوم خراسانی و قناد (۱۳۸۵)، الماسی و دیگران (۱۳۸۹)، و کیوانلو (۱۳۸۲) به نقل از جعفری، (۱۳۸۷) هماهنگ و با برخی از آن نتایج ناهماهنگ بوده است. از طرف دیگر، رابطه بین درآمد ماهیانه دانشجویان پاسخگو و سطح رضایت زناشویی‌شان در جهت مستقیم معنی‌دار بوده که با نتایج مطالعه عطاری و دیگران (۱۳۸۵)، عبدالله‌زاده (۱۳۸۲)، الماسی و دیگران (۱۳۸۹)، کیوانلو (۱۳۸۲) به نقل از جعفری، (۱۳۸۷) و ساینکتون (۱۳۸۲) و بنی‌جمالی و دیگران (۱۳۸۳) در یک جهت بوده است. اما بین سطح تحصیلات و سطح رضایت زناشویی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی سنندج رابطه معکوس وجود داشته است. نهایتاً، رابطه بین متغیرهای مدت زمان زندگی مشترک، تعداد فرزندان) و سن زوجین با میزان رضایت زناشویی آن‌ها معنی‌دار نبود که با برخی از نتایج مطالعات سیادت و همایی (۱۳۸۵) و عبدالله‌زاده (۱۳۸۲) همسو بوده است.

نتایج رگرسیون چند متغیره نیز حاکی از آن بود که در رضایت زناشویی دانشجویان همسر دار دانشگاه آزاد اسلامی سنندج ترکیبی از عوامل الگوهای ازدواج و عوامل جمعیتی و نوسازی تأثیر داشته‌اند که در این میان نقش عوامل الگوهای ازدواج (به‌ویژه الگوی سکونت در هنگام ازدواج) بسیار برجسته بوده است. تحلیل رگرسیون حدود ۶۵ درصد از تغییرات رضایت زناشویی دانشجویان را به متغیرهای الگوی سکونت در هنگام ازدواج، درآمد ماهیانه همسر پاسخگو، میزان برخورداری همسر پاسخگو از شغل، درآمد ماهیانه پاسخگو، همسان‌همسری مذهبی زوجین، نحوه انتخاب همسر در ازدواج اول، میزان آشنایی قبلی در ازدواج اول، زمان ازدواج و میزان برخورداری فرد از تحصیلات بالا نسبت داده است.

به طور خلاصه، مطالعه حاضر به این نتیجه می‌رسد که رویکردهای ساختاری (مؤلفه‌های نوسازی) و ایده‌ای (عوامل فرهنگی)، نظریه همسان‌همسری و تا حدودی نظریه میدانی لوین قدرت بالایی در تبیین رضایت زناشویی دانشجویان همسر دار دانشگاه آزاد اسلامی سنندج دارند و نتایج مطالعه با پیش‌فرض‌های این نظریه‌ها انطباق بیشتری داشته است.

فهرست منابع

۱. احمدی، خدابخش و دیگران، (۱۳۸۴)، بررسی وضعیت ازدواج و سازگاری زناشویی در بین کارکنان سپاه، مجله طب نظامی، شماره ۷(۲)، صص ۱۵۲-۱۴۱.

۲. الماسی، نفیسه و دیگران، (۱۳۸۹)، رابطه سبک زندگی و رضایت زناشویی در ورزشکاران و مقایسه آن با افراد عادی، نشریه مدیریت ورزشی، شماره ۵، صص ۸۷-۷۳.
۳. بدار، لوک و دیگران، (۱۳۸۱)، روانشناسی اجتماعی، ترجمه حمزه گنجی، تهران، نشر ساوالان.
۴. بنی‌جمالی، شکوه‌السادات و دیگران، (۱۳۸۳)، ریشه‌یابی علل از هم‌پاشیدگی خانواده‌ها در رابطه با ویژگی‌های روانی- اجتماعی دختران و پسران قبل از ازدواج، مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم، سال یازدهم، شماره‌های ۱ و ۲، صص ۱۷۰-۱۴۳.
۵. بهاری، سیف‌الله، (۱۳۸۶)، بررسی میزان رضایت زناشویی ازدواج‌های دانشجویی و عوامل مؤثر بر آن، فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی، سال دوم، شماره چهارم، صص ۴۰-۲۷.
۶. جعفری، علیرضا، (۱۳۸۷)، بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی پیش از ازدواج بر افزایش رضایت زناشویی پس از ازدواج، فصلنامه علوم رفتاری، سال چهارم، صص ۵۱-۳۱.
۷. جلیلیان، زهرا، (۱۳۷۵)، عوامل اجتماعی مؤثر بر درخواست طلاق در شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
۸. حسینی، حاتم، (۱۳۸۹)، تفاوت‌های قومی در رفتارهای ازدواج زنان و نگرش آن‌ها نسبت به ازدواج دختران در شهرستان ارومیه، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال پنجم، شماره ۹، صص ۲۸-۷.
۹. ریاحی، محمداسماعیل و دیگران، (۱۳۸۶)، تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق؛ مطالعه موردی شهرستان کرمانشاه، پژوهش زنان، دوره ۵، شماره ۳، صص ۱۴۰-۱۰۹.
۱۰. ریو، جان مارشال، (۱۳۸۱)، انگیزش و هیجان، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، انتشارات ویرایش.
۱۱. ساینکتون، ای. ای، (۱۳۸۲)، بهداشت روانی، ترجمه حمید رضا حسین‌شاهی برواتی، تهران، انتشارات روان.
۱۲. ساروخانی، باقر، (۱۳۸۵)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، چاپ هشتم، تهران، انتشارات سروش.
۱۳. ستوده، هدایت‌الله (۱۳۷۹)، روانشناسی اجتماعی، تهران، انتشارات آوای نور.
۱۴. سلیمی، سید حسین و دیگران، (۱۳۸۷)، ابعاد رضایت زناشویی در همسران جانباز، اندیشه‌های نوین تربیتی، دوره ۴، شماره ۴، صص ۷۲-۵۵.

۱۵. سیادت، سید علی و رضا همایی، (۱۳۸۵)، بررسی میزان رضایت زناشویی در ازدواج‌های دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی شهرکرد و دولتی اصفهان، پژوهش‌های تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، سال دوم، شماره ششم، صص ۷۴-۵۹.
۱۶. صادقی، رسول و دیگران، (۱۳۸۶)، واکاوی مسأله ازدواج و اعتبار سنجی یک راه حل، پژوهش زنان، دوره ۵، شماره ۱، صص ۱۰۸-۸۳.
۱۷. صداقت، حسین، (۱۳۸۲)، بررسی رابطه بین سن ازدواج، فامیلی یا غیرفامیلی بودن ازدواج، تعداد فرزندان و تشابه اعتقادی با رضایت زناشویی دبیران زن و مرد شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره، تهران، دانشگاه تربیت معلم تهران.
۱۸. صیادپور، زهره، (۱۳۸۲)، ازدواج موفق: بررسی رضایت از ازدواج دانشجویان، معاونت پژوهشی و برنامه‌ریزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، قابل دسترس در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، پایگاه مجلات تخصصی نور.
۱۹. عباسی شوازی، محمدجلال و سعید خانی، (۱۳۸۸)، الگوهای ازدواج، قومیت و مذهب: بررسی موردی زنان ازدواج کرده شهرستان قروه، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال چهارم، شماره ۷، صص ۶۶-۳۵.
۲۰. عباسی شوازی، محمدجلال و فاطمه ترابی، (۱۳۸۵)، تفاوت‌های بین نسلی ازدواج خویشاوندی در ایران، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، دوره هفتم، شماره ۴، صص ۱۴۶-۱۱۹.
۲۱. عباسی شوازی، محمدجلال و رسول صادقی، (۱۳۸۴)، قومیت و الگوهای ازدواج در ایران، پژوهش زنان، دوره ۳، شماره ۱، صص ۴۷-۲۵.
۲۲. عباسی شوازی، محمدجلال و عباس عسکری‌ندوشن، (۱۳۸۴)، تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۵، صص ۷۶-۲۵.
۲۳. عبدالله‌زاده، حسن، (۱۳۸۲)، بررسی تأثیر صفات شخصیتی بر رضامندی زناشویی زوج‌های شهر دامغان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی، تبریز، دانشگاه تبریز.
۲۴. عسکری‌ندوشن، عباس و دیگران، (۱۳۸۸)، مادران، دختران و ازدواج؛ تفاوت‌های نسلی در ایده‌ها و نگرش‌های ازدواج در شهر یزد، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، ۱۱(۴۴)، صص ۳۳-۷.

۲۵. عطاری و دیگران، (۱۳۸۵)، بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و عوامل فردی- خانوادگی با رضایت زناشویی در کارکنان اداره‌های دولتی شهر اهواز، مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم، سال سیزدهم، شماره ۱، صص ۱۰۸-۸۱.
۲۶. فاتحی‌زاده، مریم و سید احمد احمدی، (۱۳۸۴)، بررسی رابطه الگوهای ارتباطی ازدواج و میزان رضایتمندی زناشویی زوجین شاغل در دانشگاه اصفهان، فصلنامه خانواده‌پرویی، سال اول (۲)، صص ۱۱۰-۱۲۰.
۲۷. کاظمی‌پور، شهلا، (۱۳۸۳)، تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن، پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۳، صص ۱۲۴-۱۰۳.
۲۸. کلاتری، خلیل، (۱۳۸۷)، پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی- اقتصادی با استفاده از نرم افزار SPSS با تجدید نظر و اضافات، چاپ چهارم، تهران، نشر مهندسی مشاور طرح و منظر.
۲۹. کلاتری، خلیل، (۱۳۸۲)، پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی- اقتصادی با استفاده از نرم افزار SPSS، چاپ دوم، تهران، نشر شریف.
۳۰. کنعانی، محمدمبین، (۱۳۸۵)، پیوند سنت و نوسازی در افزایش سن ازدواج: نمونه ایرانیان ترکمن، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال یکم، شماره ۱، صص ۱۲۶-۱۰۴.
۳۱. کوئن، بروس (۱۳۷۵)، درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر توتیا.
۳۲. محمدپور، احمد و دیگران (۱۳۸۸)، سنت، نوسازی و خانواده (مطالعه‌ی تداوم و تغییرات خانواده در اجتماع‌های ایلی با استفاده از رهیافت روش تحقیق ترکیبی، فصلنامه پژوهش زنان، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۸، صص ۹۳-۷۱.
۳۳. محمودیان، حسین (۱۳۸۵)، بررسی میزان و عوامل مؤثر بر تفاوت سنی زوجین، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال اول، شماره یک، صص ۱۴۰-۱۲۷.
۳۴. محمودیان، حسین (۱۳۸۳)، سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۴، صص ۵۳-۲۷.
۳۵. مظلوم‌خراسانی، محمد و مهدی قناد، (۱۳۸۵)، بررسی علل و انگیزه‌های مؤثر بر ازدواج افراد ۲۵-۴۵ سال شهر بیرجند و رابطه آن با میزان رضایت از زندگی زناشویی در سال ۸۵، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال سوم، شماره اول، صص ۱۷۴-۱۴۳.

۳۶. موسوی و دیگران، (۱۳۸۴)، تأثیر روابط قبل از ازدواج بر تعارضات زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه‌های دولتی شهر تهران، تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، جلد ۶، شماره ۲۲، صص ۴۰-۲۷.
۳۷. میراحمدی‌زاده، علیرضا و دیگران، (۱۳۸۲)، رضامندی زناشویی و تعیین عوامل تأثیرگذار بر آن در شیراز، فصلنامه اندیشه و رفتار، شماره ۴، صص ۶۳-۵۶.
۳۸. میرزایی، محمد، (۱۳۸۱)، گفتاری در باب جمعیت‌شناسی کاربردی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۳۹. میلر، دلبرت، (۱۳۸۰)، راهنمای سنجش و تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران، نشر نی.
۴۰. ناصحی، عباسعلی و دیگران، (۱۳۸۳)، میزان سازگاری زناشویی در دانشجویان ساکن خوابگاه، فصلنامه اندیشه و رفتار، ۳۷ و ۳۸، سال دهم (۲۰۱)، ۱۱۶-۱۱۱.
۴۱. هالفورد، دی. کی، (۱۳۸۴)، زوج درمانی کوتاه‌مدت، ترجمه مصطفی تبریزی، مزده کاردانی و فروغ جعفری، تهران، انتشارات فرا روان.
۴۲. هومن، حیدرعلی، (۱۳۸۰)، تحلیل داده‌های چندمتغیری در پژوهش رفتاری، چاپ اول، تهران، نشر پارسا.
43. Abbasi-Shavazi, M. J., et al. (2009a) “*The Fertility Transition in Iran: Revolution and Reproduction*”, Springer.
44. Abbasi-Shavazi, M. J., et al. (2009b) “Family Change and Continuity in Iran: Birth Control Use before First Pregnancy”, *Journal of Marriage and Family*, 71:1309 – 1324.
45. Abbasi-Shavazi, M. J., et al. (2008). “Modernization and the Cultural Practice of Consanguineous Marriage in Iran”, *Journal of Biosocial Science* 40(4): 911-933.
46. Benneer, D. G., & P. C. Hill (1999). “*Baker Encyclopedia of Psychology and Counseling*”, Michigan: Baker Books, P. 714.
47. Casterline, J. B., et al. (1986) “The Age Differences between Spouses: Variations among Developing Countries”, *Population Studies*, 40: 353-374.
48. Finkenaure, C., & H. Hazman (2000) “Disclosure Secrecy in Marriage: Do Both and Contribute to Marital Satisfaction?”, *Journal of Social and Personal Relationships*, Apr., Vol. 17.

-
49. Hurol, F. (2001) "Consanguineous Marriage and Marital Adjustment in Turkey", *the Family Journal*, 9(2): 219-26.
50. Karney, B. R., & T. N. Bradbury (2000) "Marital Satisfaction in Intimate Relationship", *Journal of Marriage & Family*, 63(2): 504-513.
51. Lesthaeghe, R. & F. Eelens (1989). "*The Components of Sub-Saharan Reproductive Regimes and their Social and Cultural Determinants: Empirical Evidence*", Pp. 60-121 in R. J. Lesthaeghe (ed), *Reproduction and Social Organization in Sub-Saharan Africa*, Berkeley: University of California Press.
52. Lesthaeghe, R., et al. (1989) "*The Nuptiality Regimes in Sub-Saharan Africa*", Pp. 238-337 in R. Lesthaeghe (ed), *Reproduction and Social Organization in Sub-Saharan Africa*, Berkeley: University of California Press.
53. Malhotra, A. (1997) "Gender and the Timing of Marriage Rural-Urban Differences in Java", *Journal of Marriage and the Family*, Vol.59:434-450.
54. Palmore, J. (1983). "The Country Effect: A Six Nation Overview of the Determinants of Nuptiality and Cumulative Fertility", In: United Nations: *Asian Population Studies Series*, No. 59. *Multivariate Analysis of Nuptiality and Fertility for Selected ECAPS Countries*. Pp. 6-11.
55. Pimentel, E. E. (2000). "Just how do I Love Thee? Marital Relations in Urban China", *Journal of Marriage and the Family*, Vol. 62(1), Pp. 32-47.
56. Rao, C. N. S. (2002). "*Sociology: Primary Principles of Sociology with an Introduction to Social Thought*", New Delhi: S. Chand.
57. Sinha, S. P., & N. Mukerjee (1990) "Marital Adjustment and Space Orientation", *Journal of Social Psychology*, 130(5), Pp. 633-639.
58. Thapa, S. (1989) "The Ethnic Factor in the Timing of Family Formation in Nepal", *Asia-Pacific Population Journal* 4(1): 3-34.
59. Tuladhar, J. M. (1985) "Factors Affecting the Age at Marriage in Nepal", *Contributions to Nepalese Studies*, Vol. 12, No. 2. Pp. 55-62.
60. Ubesekeera, D. M., & J. Luo (2008) "Marriage and Family Life Satisfaction: A Literature Review", *Sabaramuwa University Journal*, Vol. 8(1), Pp. 1-17.

-
61. Xenos, p. & S. A. Gultiano (1992) "Trends in Female and Male Age at Marriage and Celibacy in Asia", by: *East-West Center Occasional Papers, Population Series*, No. 120.